

# کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: غلام اکبری

gholam.akbari@gmail.com

ادیتور: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۶۹۷

۲۶ مهر ۱۴۰۰

۱۸ اکتبر ۲۰۲۱



دوشنبه ها منتشر میشود



## مرگ دلخراش کارگری دیگر

غلام اکبری

تا کی می‌خواهیم خودمان را کنترل کنیم و آرام و بی صدا در دل، خون‌گریه کنیم؟ تا کی می‌خواهیم فرزندانمان در دیگ قیر مذاب ساعتها غوطه بخورند و زجرکش بشوند؟ ، در آن لحظه دردناک واقعا چه میشود کرد که فرد قربانی کمتر زجر بکشد.

ماجرای بر میگردد به افتادن جوانی در قیر مذاب و جان باختن وی. چند ثانیه، دقیقه و یا ساعت بعد از سقوطش در قیر مذاب هنوز زنده بود؟ و امید

این را داشت که صفحه ۶

## اسد بیگی را محکوم کردید با آثارش چه میکنید؟ زنده باد کارگران نیشکر هفت تپه

شهلا دانشفر  
بدنبال پیروزی کارگران  
نیشکر هفت تپه در خلع ید از

باند اسد بیگی، امروز ۲۱  
مهر ماه خدایان سخنگوی  
قوه قضاییه جمهوری اسلامی

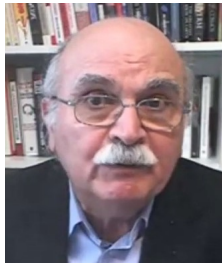


مباشرت در قاچاق عمده ارز  
به ۲۰ سال صفحه ۲

## پایتخت منتظر باش!

حمید تقوایی  
فریاد " دولت انقلابی،  
فقط شعار خالی" در تجمع  
بزرگ اعتراضی کارگران هفت

تپه در برابر استانداری  
خوزستان چالش علنی دولت  
رئیس از سوی پایتخت  
اعتصابات جهان است.  
کارگران هفت تپه در جنگ ۵  
ساله خود علیه اسد بیگی و  
دارو دسته دزد و فاسدش



صفحه ۳

## جان و زندگی کارگران ساختمانی ملعبه دست کارگزاران رژیم اسلامی سرمایه

یاشار سهندی  
یکی از پرجمعیت ترین و  
محروم ترین بخش های طبقه  
کارگر ایران، "کارگران  
ساختمانی" هستند. بنابه به  
آمار سازمان تامین اجتماعی

جمعیت این کارگران بیش از  
یک و نیم میلیون نفر است. از  
نظر سازمان تامین اجتماعی  
این کارگران به ۱۶ دسته تقسیم  
می گردند: ۱- آرماتوربند ۲-  
اسکلت ساز ۳- لوله کش و



نصاب وسایل بهداشتی ۴-  
پروفیل ۶- بتن ساز و بتن ریز  
نقشه بردار ۵- دروپنجره ساز  
۷- بنای سفت کار ۸-

صفحه ۴

دیگر مطالب این شماره

حزب کمونیست کارگری ایران به کمک مالی شما نیازمند است (ص ۲۲)

« بررسی چند خبر و موضوعات اجتماعی در خوزستان » (ص ۲۰)

۱۹ مهر: چهاردهمین روز اعتصاب قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه (ص ۱۹)

چهار خبر از اعتراضات کارگری (ص ۱۹)

اعتصاب کارگران پروژه ای شرکت سایپ در عسلویه، آزادی عزیز قاسم زاده و دو خبر دیگر (ص ۱۸)

۲۰ مهر: اعتصاب قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه وارد پانزدهمین روز شد (ص ۱۷)

آئین نامه انتخابات کنگره دوازدهم حزب کمونیست کارگری ایران (ص ۱۶)

تجمع نیروهای آموزش و پرورش، حکم زندان برای محبوبه فرزادی و دستگیری مجدد سپیده قلیان (ص ۱۶)

تجمعات بزرگ و گسترده معلمان در بیش از ۴۰ شهر " معلم داد بزن، حق تو فریاد بزن" (ص ۱۵)

۲۱ مهر: شانزدهمین روز اعتصاب قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه، اسد بیگی به بیست سال حبس

محکوم شد و باقی باند او به ۵ تا ۲۰ سال حبس (ص ۱۴)

اعلام رسمی شورای کارگران هفت تپه، یک قدم به جلو (ص ۱۳)

نفت آرام ندارد (ص ۱۲)

ما به پیشواز نمیرویم، ما مطالبه گریم (ص ۱۱)

در حاشیه گزارشی از یک همکار (ص ۱۰)

فراخوان بازنشستگان فولاد به تجمع در تهران و دو خبر دیگر (ص ۹)

مطالبات ما برای ایمنی محیط کار (ص ۸)

# آزادی، پراپری، حکومت کارگری!

حبس، پرداخت جزای نقدی و انفصال از خدمات دولتی محکوم شده اند. از جمله اسدبیگی در قاچاق یک میلیارد و ۳۹۶ میلیون یورو و مباشرت در قاچاق دو میلیون و ۸۹۴ هزار یورو دست داشته است. به گفته خداییان از متهمان دیگر این پرونده دو نفر به ۱۵ سال حبس، سه نفر به ۱۰ سال حبس و بیش از هفده نفر به ۵ سال حبس محکوم شده اند. بنا بر خبرها در این پرونده مجموعاً ۲۷ نفر از ۵ تا ۲۰ سال حکم زندان گرفته اند.

روشن است که حکومت اسلامی زیر فشار اعتراضات کارگران اسد بیگی را خلع و محاکمه و محکوم کرد. اما اینکه پشت پرده این اتهامات و دادگاه و احکام چیست، برای هیچکس جز خود جناحهای حکومتی روشن نیست. اسد بیگی یک مالک خصوصی ضد کارگری بود. اما تا زمانی که کارگران اعتراض نکرده بودند عزیز دردانه همان حکومتی ها از جهانگیری معاون روحانی تا استاندار و دیگر مقامات حکومت بود. چندین سال اقداماتش علیه کارگران نه فقط نادیده گرفته شد بلکه حکومت اسلامی و مقاماتش کارگران معترض را مورد تعرض و اخراج و زندان و شکنجه قرار دادند. آیا آنها که علیه اسد بیگی بعنوان یک جنایتکار و مجرم حکم داده اند علیه آنها که با کارگران یعنی قربانیان اسد بیگی این رفتار و احکام را صادر کرده اند نیز اعلام جرم میکنند؟ یا تمام بحث بر سر استفاده از فشار کارگران برای دعوای جناحها و

خالی کردن جیب یکی برای پر کردن جیب دیگری است؟ این ها سوالات ما و همه کارگران از حکومتیان است.

کارگران نیشکر هفت تپه ضمن اعلام خوشحالی از این محکومیت سه سوال مهم را به پیش میکشند. یکی اینکه معنای حکم انفصال از خدمات دولتی برای سردستانگان این مافیای دزد و چپاولگر چیست؟ آیا صرف رشوه دادن به مقامات دولتی برای آنها سابقه خدمت دولتی محسوب میشود و حالا با این حکم از آن محروم میگردند؟

سوال دیگر این کارگران اینست که بسیار خوب حکم صادر شد ولی پولهای به سرقت رفته کجا رفت؟ از جمله سرنوشت چهل و پنج هزار میلیارد تومن پول ارزی که اسدبیگی گرفته بود به کجا رسیده است؟! این رشوه بازی ها پای چه کسانی دیگر از حکومتیان را به میان می آورد؟ از جمله فردی چون محمد نوری که ظاهراً معاون اسدبیگی و یک پای رشوه بازی ها بوده چه حکمی گرفته است. کارگران خواستار اعلام رسمی همه اعضای این باند فاسد خلع ید شده از هفت تپه هستند.

و بالاخره اینکه با شکایت اسد بیگی و باند کثیف او بیش از سیصد پرونده امنیتی برای کارگران معترض هفت تپه باز شده است. اسماعیل بخشی و دیگر کارگران اخراجی بر اساس همین پرونده سازی ها و با همدستی مقامات حکومتی در دستگاه قضایی و در سه قوه از کار اخراج و هنوز سر کار برنگشته اند و زندانی شدند و

زیر شکنجه قرار گرفتند. جدا از کارگران نیشکر هفت تپه همین الان فرزانه زیلابی وکیل این کارگران به جرم دفاع از کارگران مطالبه گر نیشکر هفت تپه یکسال حکم زندان گرفته است و سپیده قلبان خبرنگار جوانی که جرمش اعتراض علیه فقر و فساد و شکنجه و زندان و دفاع از کارگران نیشکر هفت تپه است با ۵ سال حکم همچنان در زندان است. او بخاطر ابتلا به کرونا به مرخصی آمده بود که در روز ۱۹ مهرماه با حمله سی پنجاه مامور اطلاعاتی حکومت به منزل پدری اش دوباره بازداشت شد. پاسخ حکومت به این جنایتکاری ها چیست؟

۵ سال است که کارگران نیشکر هفت تپه برای بیرون انداختن باند مافیایی حاکم بر این شرکت می جنگند. مقامات حکومتی که هرکدام به نوعی دستشان در دزدیهای این شرکت و پولشویی های اسدبیگی گیر بود، تمام تلاششان را کردند تا مانع به سرانجام رسیدن این موضوع شوند. از جمله تمام ابزارهای سرکوبشان را بکار بردند. کارگران معترض را زندانی کردند و مورد شکنجه قرار دادند. بیش از سیصد پرونده امنیتی در این شرکت برای کارگران تشکیل دادند. سعی کردند شورای اسلامی را به عنوان ابزاری برای کنترل و عقب زدن اعتراض کارگران و تفرقه افکنی در میان آنان علم کنند. اما کارگران ایستادند و بالاخره خلع ید از اسد بیگی و باند مافیایی او صورت گرفت. ولی بعد از خلع ید باز سعی کردند با به تعویق انداختن اعلام حکم و به سرانجام رساندن دادگاه این باند مافیایی چپاولگر بلکه راهی برای فیصله دادن به این اوضاع

پیدا کنند. از جمله حقایق را به روی کارگران بستند تا کشت نیشکر را به نابودی بکشانند. تلاش کردند که مخفیانه اموال شرکت را بیرون ببرند. سعی کردند دار و دسته های خود را در میان کارگران تقویت کنند و به کمک آنها مبارزات این کارگران را به انحراف بکشانند. دسته های عزاداری شکل دادند. هر از چند گاه نیز سعی کردند با برگ شورای اسلامی بازی کنند. اما با مبارزه متحدانه کارگران همه این توطئه گری ها به شکست منجر شد. کارگران در شورای اسلامی را گل گرفتند. و آخرین شاهکار آنان برپایی اعتراضی بزرگ در مقابل استانداری اهواز بود و آنجا با شعار "دولت انقلابی، فقط شعار خالی" آب پاکی بر روی دست همه ریختند. آخر حرف کارگران نیز این بود که تا وقتی وضع مالکیت این شرکت تعیین تکلیف نشود و محاکمه دزدان سرانجام پیدا نکند و کارگران اخراجی سرکار بازنگردند اعتصاب ادامه خواهد داشت. در برابر چنین مبارزات قدرتمندی است که حکومتیان دوام نیاوردند و ناگزیر به تسلیم شدند. زنده باد کارگران نیشکر هفت تپه

پرونده نیشکر هفت تپه پرونده سنگینی برای حکومت است. ناگزیر شدند با صدور

این احکام و این عقب نشینی ها موضوع را نوعی فیصله دهند تا شاید حداقل عده ای دانه درشت ترها را در این ماجرا از مخمصه بیرون بشکنند. و بعد که آنها از آسیاب افتاد حتماً به داد خدمتگزاران صدیقشان چون اسدبیگی و اسدبیگی ها خواهند رسید. نکته مهم اینجاست که کارگران کوتاه نمی آیند. کارگران دادخواهند. کارگران خواستار تعیین تکلیف وضع مالکیت شرکت و نظارت شورایی خود بر هفت تپه هستند. کارگران بازگشت به کار همکاران اخراجی خود هستند. خواستار مخومه اعلام شدن فرزانه زیلابی وکیل خود هستند. خواستار آزادی سپیده قلبان حامی هفت تپه هستند. خواستار تمدید قرارداد همکاران فصلی و پرداخت طلبهایشان و پاسخگویی به همه مطالبات اعلام شده شان هستند.

کارگران نیشکر هفت تپه علیه کل این بساط چپاول و دزدی به پا خاسته اند و از آغاز نیر اعلام کردند که تنها راه مقابله با این فساد سیستماتیک اداره شورایی است. ۵ سال مبارزه جانانه این کارگران الگویی برای کل جنبش کارگری است. کل این بساط مافیایی سرمایه داری حاکم را باید جارو کرد. جمهوری اسلامی نابود باید گردد.

## کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست.

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.newchannel.tv

سایت تلویزیون کانال جدید:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

# کارگران جهان متحد شوید!

## پایتخت منتظر باش!

صفحه ۱

شرکت هفت تپه و تحقق دیگر مطالبات کارگران آغاز شد.

گل گرفتن در شورای اسلامی و اعلام مجمع نمایندگان منتخب مجمع عمومی همه کارگران بعنوان نماینده واقعی کارگران هفت تپه از اولین دستاوردهای دور جدید مبارزه کارگران است. اینها گامهای عملی در جهت اعمال نظارت و اداره شورائی کارگری است. هفت تپه نشان میدهد که به قدرت اتحاد و اعتصاب میتوان دکان شوراهای اسلامی را تخته کرد و با تشکیل مجمع عمومی و انتخاب نمایندگان واقعی کارگران به مقابله با حکومت پرداخت. اینها جلوه هائی از نظارت و کنترل عملی کارگری است.

اما سازماندهی کاروان کارگران اعتصابی از هفت تپه به اهواز و تجمع بزرگ اعتراضی کارگران در برابر استانداری، هم از نظر جغرافیائی و هم سیاسی تعرض تازه ای است که از یک اعتصاب کارگری با مطالبات صنفی فراتر می رود. اینجا کارگران به نمایندگی از کل جامعه در برابر دولت رئیسی و کلیت جمهوری اسلامی قرار میگیرند. نفس کشاندن اعتراض به خیابانهای اهواز با التیماتوم اگرخواستهایمان پاسخ نگیرد "پایتخت منتظر باش"، خود فراتر رفتن از چارچوب کارخانه و شهر خود است. این مقابله پایتخت اعتصابات جهان با پایتخت سرمایه داری اسلامی است. این تعرض کارگران در ادامه ۵ سال مبارزات بی وقته کارگران نیشکر هفت تپه و بر متن یک جامعه به خشم آمده و در حال انفجار صورت میگیرد. این تعرضی است به همراه و همدوش اعتصابات سراسری کارگران نفت، و

تجمعات سراسری و بی وقته معلمان و بازنشستگان.

اعتراض به فساد و دزدی باند اسدیگی که از امام جمعه شوش تا نمایندگان مجلس و دیگر مقامات ریز و درشت حکومتی را در بر میگرفت، یک ویژگی همیشگی اعتصاب هفت تپه بوده است، اما شعارهای "دولت انقلابی، فقط شعار خالی"، "دولت انقلابی، جیبها رو کرده خالی"، "به اسم دین ما را غارت میکنند"، "عدالت دروغه"، "مرگ بر ستمگر، درو بر کارگر"، آن هم در تجمع و تظاهرات خیابانی در شهر اهواز، بیانگر ارتقای مبارزه به مدار بالاتری است. این به چالش کشیدن دولت رئیسی و کل نظام جمهوری اسلامی به نمایندگی از کل جامعه است.

واقعیت آنست که رئیسی، از حتی قبل از "انتخاب" یا در واقع انتصاب شدن، از سوی بخشهای وسیعی از مردم به چالش کشیده شده است. مادران دادخواه با "رای ما سرنگونی است"، کارگران نفت با اعتصابات سراسری و رسانه ها و کاربران مدیای اجتماعی در ایران و در جهان با لقب "آیت الله قاتل" و "قصاب تهران" و "رئیس جمهور جلاذ" به استقبال او رفتند. کسی که ظاهرا قرار بود نماینده قدر قدرتی و انسجام حکومت باشد به مظهر مفلوک یک حکومت در مانده و منفور توده مردم تبدیل شد. رئیس جمهور مفلوک و رسوائی که از ترس بازداشت و دستگیری، سفرهایش به کشورهای غربی را لغو میکند و در داخل کشور هم در ترس اعتراض مردم به خشم آمده جرات سفر کردن ندارد. حتی مراسم بازگشائی دانشگاه ها را در خلوت و با ممنوعیت ورود حتی دانشجویان اسلامی و طرفدار حکومت به سالن

سخنرانی رئیس جمهورشان برگزار میکنند.

میخواستند رئیسی را به عنوان چهره مبارزه با فساد و مصلح قوه قضائی به جامعه غالب کنند اما مردم با نف و لعنت به پیشوازش رفتند. و این کاملاً قابل انتظار و پیش بینی بود. مومنتی که رژیم را مجبور کرد که یکی از رسواترین و جانی ترین مهره های خود را به کرسی ریاست جمهوری بنشانند، مومنتم خیزشهای توده ای و گسترش جنبش سرنگونی بود. جنبشی که در یک مقیاس سراسری و توده ای در ۹۶ و ۹۸ به میدان آمد و با اعلام "اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا" و "جمهوری اسلامی نابود باید گردد" صریح و شفاف و کوبنده در برابر کل حکومت قرار گرفت.

در چنین شرایطی توسل رژیم به مهره سوخته ای نظیر رئیسی انتخابی از سر ناعلاجی و درماندگی است. رژیم به این نتیجه رسیده است که حتی تظاهر به برخورداری از رای مردم برایش خطرناک است. جنگ بی امانی بین مردم و رژیم در جریان است و ناگزیر بودند دولت نظامی - امنیتی شان را به روی کار بیاورند. دولت رئیسی دولت شرایط جنگی است: جنگ علنی و رودرروی توده مردم با حکومت. رئیسی بقول خودش کارنامه "قابل تقدیری" در کشتار "دشمنان" نظام دارد و وقتی "دشمنان" آنقدر پیشروی کرده اند که در خیابانها نابودی نظام را شعار میدهند و در بیانیه ها و اطلاعیه هایشان به صراحت و با اسم و رسم اعلام میکنند رای ما سرنگونی است و یا خواستار محاکمه خامنه ای به جرم همدستی در کشتار کرونا میشوند، دیگر جانی برای ادعاهای مستضعف پناهی و مانورهای نوع دوخردادی باقی

نمی ماند. باید جلاذ دیروز را، هر چند رسوا و از رمق افتاده، دوباره به میدان آورد شاید فرجی حاصل شود. رسما و علنا به جامعه اعلام جنگ میدهند چون ضدیشان با مردم دیگر قابل پرده پوشی نیست.

جلاذ ۶۷ را به جلو میفرستند اما ۱۴۰۰ دهه شصت نیست. آن زمان انقلابی که به خلع ید از سلطت منجر شده بود ولی سر باز ایستادن نداشت را در هم کوبیدند اما امروز با انقلاب دیگری روبرو هستند. انقلاب علیه نظامی که با خون پاشیدن به انقلاب ۵۷ خودش را در قدرت نگاه داشت اما هرگز به یک نظام با ثبات و مورد پذیرش مردم تبدیل نشد.

نه دولت رئیسی و نه هیچ نیروئی در حکومت قادر به جلوگیری از طوفانی که در راه است نیست. دولت نظامی - امنیتی رئیسی به رزمایش در مرزها روی آورده است چرا که میدانند در درون مرزها تیغشان نمی برد. میدانند ۹۶ و ۹۸ رزمایشهای کوبنده انقلابی هستند که همه شان را جارو خواهد کرد.

خیزشهای ۹۶ و ۹۸ خود بر دوش مبارزات و اعتراضات کارگری شکل گرفتند و امروز کارگران نفت و هفت تپه انقلابی که در راهست را زیر سازی میکنند. این یک تدارک و زیر سازی عملی و میدانی است. اگر بزرگ ترین رفتارندوم آنلاین علیه اعدام نوید افکاری شکل میگیرد، جنبش دادخواهی رای به سرنگونی حکومت میدهد و فعالین و چهره های معترض خواهان محاکمه خامنه ای میشوند، اگر توماج ها و سپیده قلیان ها علیه حکومت میشوند، کارگر هفت تپه چالش حکومت را به خیابانها می کشاند. با پرچم اداره شورائی، با تشکیل هر روزه مجمع عمومی

در برابر اداره کار شوش، و با کاروان اعتراضی و تظاهرات و تجمعات فرا کارخانه ای علیه دولت توخالی و عدالت دروغین و غارت به اسم دین.

آنچه به یمن مبارزات کارگران امروز در نیشکر هفت تپه عملی میشود، الگوی قدهای عملی انقلاب فرداست. گل گرفتن در شورای اسلامی نمونه جارو کردن همه نهادها و ارگانهای اسلامی حکومت از کل جامعه است، خلع ید از کارفرما الگوی عملی خلع ید از کل طبقه سرمایه دار است، و اداره شورائی نوید دهنده حکومت شورائی است.

هفت تپه در قلب یک جامعه بپاخاسته می تپد. گسترش و رادیکالیزه شدن جنبش دادخواهی و جنبش علیه اعدام در یکسال اخیر، اعتصابات سراسری کارگران نفت، گسترش مبارزات سراسری معلمان و بازنشستگان، و به میدان آمدن فعالین جنبشهای اعتراضی و چهره های ادبی و هنری با اطلاعیه ها و بیانیه ها و فراخوانهای رادیکال علیه خامنه ای و رئیسی و مقامات حکومتی، همه نشانه های حرکت و جوشش جامعه ای است که مدتهاست از خط قرمزهای حکومتی عبور کرده است. این یک جنگ علنی و تمام عیار است. کارگران هفت تپه با اداره شورائی، با به چالش کشیدن دولت رئیسی و با گل گرفتن در شوراهای اسلامی در قلب و محور جبهه مردم در این جنگ قرار دارند. کارگران به کل مردم متفتر از حکومت راه نشان میدهند. جامعه می رود تا در کل حکومت اسلامی را گل بگیرد.

۱۳ اکتبر ۲۰۲۱



## جان و زندگی کارگران ساختمانی ملعبه دست

صفحه ۱

عایق کار رطوبتی و آسفالت کار  
ابنیه ۹- گچ کار ۱۰- سنگ کار  
۱۱- قالب بند و کفراژ بند ۱۲-  
لوله کش گاز خانگی و تجاری  
۱۳- نگهداری بتن ۱۴-  
کاشی کار ۱۵- برق کار  
ساختمان ۱۶- نقاش ساختمان.  
البته آمار شمار کارگران  
ساختمانی تامین اجتماعی مثل  
همه آمارهای دیگر فقط بخش  
ثبت شده این کارگران را در بر  
میگیرد و گرنه آمار بسیار بالاتر  
از این است. و این یک و نیم  
میلیون شاغل در این بخش با  
خانواده هایشان نیروی چند  
میلیونی هستند که با کمترین مزد  
و در بدترین شرایط زیستی و  
معیشتی میروند.

در برابر چنین کار پر مخاطره  
این کارگران هیچگونه تامین  
جانی و معیشتی ندارند و قوانین  
بیمه نیز تماما در خدمت ارزان  
تمام کردن نیروی کار برای  
سرمایه داران مفتخور و دادن  
ظاهری مقبول به این شکل برده  
وار و غیر انسانی کار در این  
بخش از کار است. بد نیست در  
این نوشته نگاهی بیندازیم به  
تاریخچه این قوانین و این  
چگونه با هزار اما و اگر کارگر را  
در بی تامینی مطلق نگاه  
میدارند.

### از قانون سال ۵۲ تا قانون سال ۸۶

دهه پنجاه شمسی، دهه ای  
که بسیاری از اقتصاددانان امروز  
حسرت دوره طلایی سودآوری و  
جزیره ثبات سرمایه در آلمان را  
می خورند با توسعه وسیع  
ساخت و ساز در ایران همراه بود  
و چهره شهرها به سرعت تغییر  
می کرد. به این سبب کارگران  
شاغل در این بخش به شدت در  
معرض آسیب و کشته شدن در  
محیط کار بودند. مجلسین  
آنروزگار (شورای ملی و سنا)  
"قانون بیمه اجباری کارگران  
ساختمانی" را تصویب کردند که  
تا سال ۸۶ این قانون جاری  
بوده. طبق بند ۱ قانون سال ۵۲  
وعده داده شد "کارگران شاغل در  
کارهای ساختمانی اعم از ایجاد  
ساختمان یا توسعه ساختمان و یا  
تجدید بنا و تخریب ... نزد

(قانون سال ۸۶) و انطباق  
وضعیت کارگران شاغل با این  
قانون، همچنان قابل اجرا است."  
باید خاطر نشان کرد این که  
در عنوان قانون اجباری باشد تا  
اینکه کارفرما خود را ملزم ببیند  
به این اجبار تن بدهد فاصله از  
زمین تا آسمان است. بر خلاف  
آن چیزی که جلوه داده شده  
(ومی شود) که این قانون  
خواسته حداقل چیزی نصیب  
کارگر از کار افتاده و یا بعد از  
کشته شدن وی نصیب خانواده  
او بشود، تضمین شود. ولی در  
واقع قانون سال ۵۲ یک جور  
شانه خالی کردن حکومت از  
پاسخگویی به کارگران در قبال  
حوادثی است که منجر به نقص  
عضو و فوت کارگر می شده  
است. تنها اجباری که در قانون  
سال ۵۲ پیش بینی شده این  
است که شهرداریها مکلف  
بودند صدور پروانه ساخت را  
منوط به پرداخت حق بیمه فوق  
کنند. در تبصره ۱ ماده ۵ قانون  
سال ۵۲ قید شده: "صدور  
پروانه ساختمان از طرف  
شهرداریها موقوف به ارائه و  
تسلیم رسید وجوه موضوع این  
ماده خواهد بود" خدا بده برکت،  
چی از این بهتر! شهرداریها یکی  
از مراکز بسیار بدنام از بابت  
گرفتن رشوه و "پول زیرمیزی" در

ایران بوده اند و در واقع این قانون  
و قوانین مشابه دست ارگانهای  
مانند شهرداری را باز گذاشته که  
تا میتوانند سهم خود را از ارزش  
اضافه ای که نصیب کارفرما  
(مالکان ساختمان، چه شخصی  
یا شرکتی) میشود چرب و چیلی  
تر کنند.

در قانون جدید سال ۸۶  
دیگه بدتر، خیال خود را راحت  
کرده اند و در عنوان آن دیگر واژه  
اجباری هم نیست و مانند قانون  
سال ۵۲ همه تضمین را به  
"پروانه ساخت" محدود ساخته  
اند. ظاهرا دامنه بیمه سال ۸۶  
بیشتر است و شامل "هزینه های  
مربوط به حوادث و بیماری ها،  
ازکارافتادگی (شامل پرداخت  
مستمری ازکارافتادگی کلی و  
جزئی ناشی از کار)، پرداخت  
مستمری بازنشستگی و فوت در  
چارچوب قانون تامین اجتماعی،  
تحویلی پروتز و ارتز، غرامت  
دستمزد (صرفا شامل پرداخت  
غرامت دستمزد ایام بیماری در  
صورت استراحت و عدم اشتغال  
به کار برای حوادث ناشی از کار  
مشمولین طبق مقررات  
تامین اجتماعی)، پرداخت هزینه  
کفن و دفن، هزینه سفر،  
فوق العاده سفر و اقامت بیمار."  
می شود.

قانون سال ۸۶!

## جان و زندگی کارگران ساختمانی ملعبه دست کارگران رژیم اسلامی سرمایه

صفحه ۴



محسوب میکنند، یعنی کار آزاد دارد و دستش تو جیب خودش است! و در نتیجه این کارگران از همان حداقلی هم که به اسم بیمه بیکاری البته نه به کارگر بیکار بلکه به کارگر بیکار شده باید پرداخت شود، محروم محروم است.

وقتی لازم است که تسمه از گرده کارگر بکشند با کسی رودروایی ندارند و همه چیز در قانون روشن و قاطع است که مبدا شرط و شروطی باعث شود روزی کارگر با اتکاء به آن به حقی برسد. جایی هم برای فرار کارگر نمی گذارند. اما تا دلتان بخواهد راه فرار برای سرمایه در قانون فراهم است؛ بطور مثال همه چیز را ارجاع می دهند به "احراز شرایط" و بعد همه چند و چون "شرایط" را خود تعیین میکنند.

بدین ترتیب قانون بیمه کارگر ساختمانی چیزی جز یک تابلو نیست. اما یک تابلو زشت و کزیه که بی حقوقی و بی تامین از تک تک بندهایش می بارد. و این چیزی است که خصوصاً در چند ساله اخیر یک موضوع اعتراض کارگران ساختمانی بوده است.



باشد با حداقل سابقه ۱۰ سال کار و یا برای دریافت کامل مقرری بازنشستگی باید ۳۵ سال سابقه کارش کامل باشد. یعنی با یک روز کمتر هم کارگر نمی تواند خواستار دریافت مقرری کامل را داشته باشد.

نکته ای که در اینجا مطرح است در قانون سال ۵۲ و ۸۶ همه آن چیزی که قرار بوده و هست پرداخت شود در گرو این است که اولاً توی کارگر باید "کارگر واقعی" باشی و در حادثه هم مقصر نباشی و بسیاری شرایط دیگر باید از نظر تامین اجتماعی "احراز" شود و در این صورت این پرداختی که قرار می شود انجام پذیرد تمام و کمال ارجاع داده می شود به قوانین دیگر سازمان بیمه تامین اجتماعی تا شاید چیزی ته داستان به کارگر پردازند. اما به بازنشستگی و بیمه بیکاری که می رسد خیلی راحت قوانین خود را دور می زنند و به بند فلان و تبصره بهمان قانون تامین اجتماعی وصل اش نکرده اند. بلکه خیلی محکم حکم کرده اند کارگر ساختمانی باید ۵ سال بیشتر کار کند. به این معنا که مدت زمان سابقه کار برای بازنشستگی در قوانین جاری تامین اجتماعی سی سال تمام است اما برای کارگران ساختمانی ۳۵ سال. و در مورد بیمه بیکاری نیز اساساً کارگر ساختمانی را "خویش فرما"

لازم برای کنترل اشتغال و بیکاری بیمه شده، مشمول بیمه بیکاری نمی شوند. ضمن اینکه ۳ درصد حق بیمه مربوط به بیمه بیکاری از این افراد دریافت نمی شود. اینجا آشکارا بیمه تامین اجتماعی دروغ می گوید. اولاً طبق قانون ۷ درصد از حقوق کارگران ساختمانی مقرر شده کسر گردد نه بیشتر، دوماً طبق بند ۵ قانون بیمه بیکاری این ۳ درصد را کارفرما می پردازد در واقع اگر امتیازی هم داده شده به کارفرما داده اند. سهم کارفرما ۲۰ درصد است که ۳ درصد مربوط به بیمه بیکاری در همین مثلاً "سهم کارفرما" مستتر است. در حاشیه همین گفته باید یادآور شویم طبق همین توضیح کوتاه تامین اجتماعی مشخص میگردد ۳۰ درصد حق بیمه عملاً از حقوق کارگر کسر می شود. سهم ۲۰ درصدی کارفرما و ۳ درصدی دولت پولی است که از کارگر کم می شود و به اسم دیگران نوشته می شود. و این عین کلاه برداری است.

منتی که تامین اجتماعی سر کارگران دارد این است که قانون مصوبه سال ۸۶ مستمری بازنشستگی را برای کارگران ساختمانی در نظر گرفته است. اما این مفت و مسلم نیست بلکه طبق ماده ۱۰ این قانون برای تقاضای بازنشستگی یک کارگر باید ۶۰ سال سن داشته

لازم نیست ما در مورد این قانون چیزی زیادی بگویم؛ یادآوری بخشهایی از سخنان کسانی که در خدمت رژیم سرمایه اسلامی هستند و سعی دارند از یک سو آبی باشند بر آتش اعتراض کارگران ساختمانی؛ و از سوی دیگر برای باج گیری از باند رقیب هشدار میدهند: "متأسفانه برخی با تصمیمات خود می خواهند تا جامعه یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفری به سمت اعتراض خیابانی بکشانند. اعتراض ما صنفی است و هیچ انگیزه سیاسی نداریم." یکی از آنها اکبر شوکت نامی است که "عضو هیات مدیره کانون عالی انجمن های صنفی کارگران ساختمانی سراسر کشور" معرفی شده و گله اش این است که چرا از طرف مجلس و دولت به بازی گرفته نمی شوند. و ایشان در لباس دفاع از کارگر از شرایط اسفبار این کارگران حتی با وجود چنین قانونی در جایی می گوید: "یکی از ظلم هایی که در حق کارگران می شود این است که در صورت حادثه دیدن کارگر در ساختمان های فاقد پروانه، کوچکترین غرامتی به کارگر پرداخت نمی شود. غرامت ایام بیماری هم به کارگران ساختمانی به بهانه های مختلف پرداخت نمی شود؛ کارگر ساختمانی اگر سرطان بگیرد، اگر مشکل کبد و کلیه داشته باشد یا هر بیماری دیگری که مجبور شود ماهها در خانه بخواهد، ریالی غرامت ایام بیماری نمی گیرد ... نه تنها غرامت بیماری به کارگر ساختمانی پرداخت نمی شود بلکه بیمه ی کارگری که مریضی سختی دارد و باید قاعدتاً چندماه در خانه استراحت کند، به بهانه

کار نکردن قطع می شود!؛ و سایت حکومتی ایلنا در گزارشی خاطرنشان می کند: "گستره پوشش خدمات تامین اجتماعی، بسیار محدود است؛ بسیاری از شاغلان کارگری از جمله کارگران ساختمانی هنوز به درستی از خدمات بیمه تامین اجتماعی بهره مند نشده اند. نه تنها کمیت و گستره ی خدمات بیمه ای برای کارگران ساختمانی معیوب و ناکافی است بلکه کیفیت خدمات ارائه شده به بیمه شدگان بخش ساختمان نیز دچار نارسایی ها و کاستی های بسیار است: کارگران ساختمانی برای بیمه شدن و قرار گرفتن زیر چتر تامین اجتماعی، باید هفت خوان رستم را پشت سر بگذارند." اکبر ترکان (ایشان دارفانی را وداع گفتند) به عنوان رییس سازمان نظام مهندسی در سال ۹۳ گله کرده بود "بیمه کارگران پول زور است!" یکی دیگر از جنس اکبر شوکت به نام هادی ساداتی "نائب رئیس انجمن های صنفی کارگران ساختمانی کشور" اما می گوید: "بی دردمترین و پرسودترین منبع درآمدی سازمان تامین اجتماعی، کارگران ساختمانی هستند." طبق قانون سال ۸۶ کارگران از بیمه بیکاری جاری نیز محرومند. سازمان بیمه تامین اجتماعی در توضیح این امر می گوید: "اگرچه به موجب قانون سال ۸۶، بیمه کارگران ساختمانی اجباری است ولی سازوکار اجرایی آن تا حدودی به نظام بیمه ای خویش فرمایی نزدیک است. کارگران شاغل در این مجموعه به خاطر نوسانات کاری، موقتی بودن و پرداخت مستقیم حق بیمه سهم بیمه شده توسط خود کارگر و فقدان ابزار

## مرگ دلخراش کارگری

صفحه ۱ دیگر

کسی بدادش برسد و او را از این جهنم بربریت سرمایه نجات دهد؟ چند لحظه بعد از سقوطش هنوز امید این را داشت که باز هم پیش خانواده اش برمیگردد؟ وقتی امید اینکه دیگر زنده خواهد ماند را از دست داد، چقدر طول کشید تا دیگر چیزی حس نکرد؟ چند دقیقه و یا ساعت هنوز درد را احساس میکرد؟ چند دقیقه امیدش را برای اینکه دوباره فرزندش را در آغوش بگیرد و گردش را ببوسد تا صدای خنده و بویش را احساس کند، را از دست نداده بود. در آن دقیقه‌های آخر عمرش به چه فکر میکرد؟ راستی اسمش چه بود این کارگر جوان اهل ساری. خانواده اش چی میکشند؟ مادرش زمانیکه او در دیگ قیر مذاب افتاد، هنوز زنده بوده؟ مادرش خبر سقوط جگرگوشه اش را در قیر مذاب شنید؟ یا فقط بهش گفتند که تصادف کرد و جانش را از دست داد؟ خیلی بیرحمانه است اگر به مادرش گفته باشند: فرزند دلبنده که یک عمر برایش زحمت کشیدی که بزرگ شود، اینچنین فجیع جان باخته است. ساعتها در قیر مذاب غوطه خورده است و هیچ کسی هم بدادش نرسیده، حتی ...

شاید از روی شانس، مادر این کارگر جوان در قید حیات نبود که با شنیدن خبر زنده زنده سوختن پاره تنش در دیگ قیر مذاب، آنقدر ضجه بزند و شیون کند تا، بیهوش شود؟ وقتی هم همسایه‌ها با آب طلا و گلاب، بیهوشش میاورند! باز هم با ضجه و زاری التماس میکرد تا فرزند دلبنده را برایش بیاورند تا برای آخرین بار در آغوشش بگیرد. اگر مادر این کارگر جوان در قید حیات نبود، یکی از

دردهای انسانیت کمتر میشد. همسایه‌ها به همدیگر میگفتند، خوشبختانه مادرش زنده نبود که این خبر را بشنود، والا درجا سکنه میکرد. اما پدرش چه، خواهر و برادرانش چه؟ همسری نداشت؟ فرزندی نداشت؟ فامیل و دوست و همسایه‌ای نداشت؟ که از شنیدن خبر سقوطش در دیگ قیر مذاب فریاد بزنند اسمش را؟

همکارانش چه وضعیتی دارند؟ آیا تنها کسی بود که در آن مرکز صنعتی کار میکرد؟ نه مسلم است که تنها فردی نبود که آنجا کار میکرد. حتما همکارانی داشت، کارگران دیگری که هم سرنوشتی‌اش هستند و کارمندان و سرکارگر و دیگر کارکنان کارخانه، جماعتی که به آتش نشانی و آمبولانس زنگ زدند، آنها چه وضعیتی داشتند؟ زمانیکه مامورین آتش نشانی اعلام کردند که هیچ کاری نمیتوانند بکنند و باید تا فردا صبر کرد، آیا همه دوباره سرکارشان برگشتند؟ یا محل کار تعطیل شد. فقط کارگر جوان که در مخزن قیر مذاب گیر افتاده بود، به خانه نرفت. درحالیکه همه کارگران و کارکنان به خانه هایشان رفتند و خانواده هایشان را در آغوش گرفتند و برای کارگر جوان و خانواده و دوستانش اشک ریختند. همکارانش، به بدشانسی اش لعنت فرستادند. و گنج و مبهوت از اتفاقی که افتاده، تمام مدت کارگر جوانی که در قیر مذاب غوطه میخورد را در ذهن خود مجسم میکردند. میبینند. شنیده بودند که او دیگر زنده نیست، شنیده بودند که هیچ چیزی را حس نمیکند، اما هر لحظه که چشمشان را روی هم میگذاشتند چهره کارگر جوان را میدیدند که در قیر مذاب غوطه میخورد و دستش را دراز کرده که کسی کمکش کند. و این فکر که، میتوانست قربانی

امروز "من" باشم، هزاران بار از مغزشان عبور میکرد و بعضا هم بزبان می‌آوردند. و یا اینکه، نفر بعدی شاید "من" باشم،

ماجرای سقوط این کارگر در قیز مذاب و ابعاد تکان دهنده آن تصویر روشنی از فاجعه‌ای به اسم نا امنی محیط کار در ایران را بدست میدهد. کارزار علیه نا امنی محیط کار کارزاری برای نجات جان انسانها در برابر قربانی شدن هر روزه کارگران در محیط های کار بخاطر سودجویی های سرمایه داران دزد و مفتخور و پایان دادن به این توحش است. ایمنی محیط کار باید به یک خواست سراسری در تمام محیط های کار تبدیل شود و همه جا باید اجرایی شود.

## مقصر کیست؟

سایت ایلنا با پز کارگر دوستی وارد بحث شده اعلام میکند که مقصر اصلی بیمه‌هایی خصوصی هستند که کارفرمایان را بیمه میکنند تا هر وقت اتفاقی افتاد قرامت گرامت کارگر و پول خوشن را بجای کارفرما بپردازند. به همین خاطر است که کارفرمایان هم به رعایت اصول ایمنی اهمیت نمیدهند و هزینه‌ای صرف تجهیزات ایمنی نمیکند.

ایلنا با این گفته بظاهر انگشت اتهام را بطرف کارفرمایان نشانه رفته و از قوه قضائیه و دادستانی این تقاضا را دارد که با کارفرمایان برخورد جدی بکنند.

اما ایلنا کاری به سیستم سرمایه داری حاکم و حرص و ولع سیری ناپذیر کارفرمایان و سرمایه داران مفتخور که از هزینه کردن کمترین پول برای ایمنی جان انسانها ابا دارند، ندارد. چون خودش بخشی از همین سیستم حاکم است و صرفا در جدال با بیمه های خصوصی، صرفا اهداف جناحی خود را

دنبال میکند. اما کارگران خوب میدانند مقصر اصلی کیست. مقصر اصلی مشتی سرمایه دار مفتخور و چپاولگر هستند که حاضر به کمترین هزینه برای ایمنی محیط کار نیستند تا مبادا قرانی از سودهای کلانی که جیب میزنند کاسته شود. بله کارفرمایان و سرمایه داران مفتخور در پناه دولت حامی خود و قوانین برده وار حاکم مسبب اصلی جنایت هر روزه در محیط های کار هستند.

به عبارت روشنتر ایلنا مقصر اصلی را بیمه های خصوصی ای میدانند که کارفرمایان را بیمه کرده اند. اما توضیح نمیدهد که حتی انجام این کار برای اینست که هر وقت جان کسی در محیط کار بخطر افتاد بیمه خصوصی ای که در خدمت کارفرماست سر و ته قضیه را هم بیاورند و کسی جوابگوی کارگر و خانواده ای که عزیزش را از دست داده نباشد. بنابراین نفس همین کار به معنای بیمه شدن کارفرمایان برای هر قتل و جنایتی در محیط کار و راهی برای سرداندن کارگر آسیب دیده و خانواده هایی که عزیزی را از دست داده اند، بین کارفرما و شرکت های بیمه خصوصی است و همه اینها بخشی از سیستم وحشی سرمایه داری چپاولگر حاکم است. با اینکار ایلنا عملا دارد نظام سرمایه داری دزد سالار اسلامی را از زیر ضرب خارج میکند.

جمهوری مافیاهای دزدان اسلامی با تمام دم و دستگاهش مسبب چنین ابعاد فاجعه بار از



کشتار در محیط های کار است. دستمزدهای چندین مرتبه زیر فقر، بیکاری وسیع سهم اکثریت جامعه است و این حکومتیان دزدسالار، تنها و تنها به فکر دزدیدن و چاپیدن بیشتر ثروتهای جامعه اند. تمام دم و دستگاه قانون گذاری و اجرایی و ارتش و پلیس و زندان شان را بکار میگیرند تا از خر مراد پیاده نشوند. ثروتهای مملکت را غارت میکنند و مشتی تروریست وحشی را پروار میکنند تا چند صباحی دیگر خود را در اریکه قدرت نگه دارند. بخاطر این قدرت و موقعیت، اعدامها کرده اند و با شلیک مستقیم به مغز و قلب معترضین در خیابان و تجاوز و شکنجه در بازداشتگاهها سعی کرده اند باز هم قدرت را حفظ کنند. زندانها پر است از فعالین کارگری و نمایندگان معلمان، از کسانی که حق خود و همکارانشان را طلب کرده اند، از کسانی که حقوقهایشان را طلب دارند و یا کسانی که به دزدیهای حکومتیان و آقازاده ها اعتراض کرده اند. اما کارگران کوتاه نمی آیند.

در این میان جدالی هر روزه بر سر زندگی و معیشت در سطح جامعه در جریان است و همه شواهد حاکی از جامعه ایست که بسرعت بسوی رهایی از کل این بساط برده وار خیز برداشته است.

جمهوری مافیاهای دزد اسلامی، حکومتی نیست که بنا به انتخاب و صفحه ۷

## مرگ دلخراش کارگری

صفحه ۶ دیگر

خواست مردم اهرم های قدرت و کنترل جامعه را بدست گرفته باشد. این دزدان هر جنایتی را کرده اند تا خود را در قدرت نگه دارند و از هر جنایتی هم ابائی ندارند. تنها راه نجات بشریت و مردم ایران هم این است که این مافیاهای دزد را به قدرت انقلاب به زیر بکشیم.

اگر نمیخواهیم این همه جنایت ها و فقر و فلاکت ادامه پیدا کند. اگر نمیخواهیم کارگران و شهروندان هر روزه قربانی زیاده طلبی های کارفرمایان شوند، باید جمهوری مافیاهای دزد اسلامی را سرنگون کنیم.

خامنه ای و بقیه ارازل اوباش اسلامی که چهل و چند سال است جنایت کرده اند و جنایت میکنند را باید به زیر کشید و سران این رژیم را باید برای تک تک جنایاتشان به محاکمه کشید. از جمله کشتار بخاطر عدم ایمنی در محیط های کاری یک پرونده قطور از جنایات این حکومت است.

چند خبر تکاننده از سوانح محیط کار:

- روز سه شنبه ۲۰ مهر ماه کارگر جوانی در شهرک صنعتی یزد در، وقتی در حین کار لباسش به دستگاه مونتاژ آلومینیم گیر کرد. " بنا بر این گزارش، بعد از چند بار چرخش این کارگر دور میله دستگاه، بدن بی جان وی

توسط عوامل امداد و نجات از دستگاه جدا شده و مرگ وی توسط عوامل اورژانس تایید شد. ". در همان روز یک کارگر ساختمانی در شهر سقز (کردستان) به اسم امید شافعی بر اثر سقوط بالابر جان باخت. او در حین کار بر اثر سقوط بالابر از طبقه سوم یک ساختمان نیمه کاره در بلوار تلگراف شهر سقز شدیداً مجروح و در عصر روز بیستم مهرماه در بیمارستان بر اثر جراحات وارده و ایست قلبی جانش را از دست داد. به خانواده کارگر جان باخته در شهرک صنعتی یزد و امید شافعی تسلیت میگوییم. اما اولین سوال اینست که سرنوشت خانواده آنها چه میشود؟

- روز ۲۱ مهر ۱۴۰۰، یکی از کارگران شاغل در کارخانه کارتن سازی «فرد مقوا» در قزوین حین کار مصدوم شد. از قرار معلوم کارگر حادثه دیده حوالی ساعت ۱۷:۳۰ آن روز مشغول بریدن در بشکه‌ی ۲۲۰ لیتری حاوی مواد شیمیایی با دستگاه هوا برش بود که بر اثر انفجار ناگهانی بشکه به شدت مجروح شد. طبق اظهارات رئیس فوریت‌های پزشکی استان قزوین؛ یک پای این کارگر از ناحیه ران قطع و یکی از دست‌های وی هم دچار شکستگی جدی شده است. همچنین روز جمعه

۲۳ مهرماه کارگری ۲۹ ساله در شهرستان باخرز واقع در استان خراسان رضوی حین انجام کار پایش در داخل پره های تیلر گیر و منجر به قطع عضو شد. در همین روز کارگر جوانی در حین کار ساختمانی به علت عدم ایمنی محیط کار از طبقه چهارم سقوط کرد و بشدت مجروح شد. این کارگران دچار از کار افتادگی شده اما معاش و زندگی آنها و خانواده شان چه میشود؟ آیا درمان رایگان شامل حال آنها میشود؟

با کارزاری سراسری به این جنایات آشکار در محیط های کار باید خاتمه داد.



# سوسیالیسم

## تنها راه نجات بشریت

### از سرمایه داری بیمار و نکبت زده!



## مطالبات ما برای ایمنی محیط کار

برگرفته از نوشته ای از شهلا دانشفر، منتشر شده در کارگر کمونیست ۱۵۵ (۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۰)

کدام خواستهها و کدام استانداردها؟

بخش عظیمی از همه این اتفاقاتی که در محیطهای کار شاهدش هستیم و منجر به مرگ و صدمه زدن به سلامتی کارگر میشود، قابل اجتناب اند. یک محور مهم مبارزه کارگر در نظام سرمایه داری حول ایمنی محیط کار است. کارگر حق دارد برای ایمن تر کردن شرایط کارش تا جایی که علم و تکنولوژی اجازه میدهد، دست به مبارزه بزند، اعتصاب کند متشکل شود.

مطالبات زیر باید به پرچم مبارزه کارگران برای بهبود شرایط کار و ارتقاء ایمنی و بهداشت



محیط کار به منظور جلوگیری از بروز حوادث محیط کار، و نیز جبران خسارت های ناشی از ناامنی تبدیل شود:

۱- تضمین ایمنی و بهداشت محیط کار و تقلیل مخاطرات کار به حداقل ممکن، بدون هیچ صرفه جویی، با استفاده از پیشرفته ترین تسهیلات و امکانات مورد استفاده در سطح جهان از جمله برخورداری محیط های کار از دستگاه های تهویه کافی، مراکز درمانی کشیک مجهز به آمبولانس و پزشک، امکانات بهداشتی حمام و دستشویی و

غذاخوری با استاندارد بهداشتی بالا و غذای مناسب.

۲- نظارت و معاینه پزشکی منظم در برابر مخاطرات و بیماری های حرفه ای و ناشی از کار توسط مراجع پزشکی مستقل از کارفرما، به هزینه کارفرمایان و دولت.

۳- نظارت بر ایمنی محیط کار باید تماما زیر نظارت کارگران و تشکل ها و نمایندگان آنها باشد. این حق کارگران است که هیئتی از میان خود انتخاب کنند تا تمامی موارد ناامن و غیر بهداشتی را بررسی کنند و به کارگران گزارش بدهند.

۴- اعتصاب و برگزاری مجمع عمومی، حق بی چون و چرای کارگران است و کارگران به مجرد احساس ناامنی باید بتوانند دست از کار بکشند، تا ناامنی برطرف شود.

۵- بکارگیری مواد سمی و خطرناکی که جان کارگر را به خطر می اندازد و در کشورهای پیشرفته جهانی استفاده از آنها در تولید ممنوع اعلام شده است فوراً متوقف گردد.

۶- کارفرمایانی که بخاطر سودجویی در مواردی که سلامتی کارگر تهدید میشود، اقدام نکنند، مجرمند و باید مورد پیگرد قرار گیرند.

کارگرانی که بخاطر عدم ایمنی کار دچار بیماری و یا از کار افتادگی شده اند، باید تامین

داشته باشند و از جمله از حقوق زیر برخوردار باشند:

۱- بیمه کامل و رایگان کارگران در مقابل صدمات و خسارت ناشی از کار، اعم از اینکه در محیط کار و یا خارج آن رخ دهد و بدون اینکه کارگر نیازی به اثبات قصور کارفرما و یا مدیریت داشته باشد.

کارگران آسیب دیده در محیط کار باید با استاندارد بالای پزشکی تحت پوشش درمان رایگان قرار گیرند و در دوره درمان از حقوق کامل برخوردار باشند.

۲- کارگرانی که در محیط کار دچار بیماری شده اند باید از تسهیلاتی چون تغییر نوع کار و کاهش ساعت کار با پرداخت حقوق کامل برخوردار باشند و اخراج آنها اکیدا ممنوع باشد. این کارگران باید مادام که بیمارند زیر پوشش این کمک ها و تسهیلات قرار داشته باشند.

۳- پرداخت حقوق کامل بازنشستگی به کارگرانی که در نتیجه صدمات ناشی از کار توانایی کار کردن را از دست میدهند. همینطور پرداخت کامل حقوق بازنشستگی به خانواده کارگرانی که عضو خانواده خود را در محیط کار از دست میدهند.

این خواست عطف به ماسبق میشود یعنی شامل همه کارگران و خانواده های کارگرانی که در طول حاکمیت جمهوری اسلامی توانایی کار کردن و یا جان خود را از دست داده اند نیز میشود.

یک بخش از سوانح محیط کار منجر به مرگ کارگر میشود در این مورد باید بر حق و حقوق زیر تاکید کنیم:

۱- خانواده کارگرانی که به

خاطر ناامنی محیط کار جان باختند، و نان آور خود را از دست داده اند، باید تحت پوشش همیشگی تامین اجتماعی قرار گیرند و از یک زندگی انسانی برخوردار باشند. باید به این خانواده ها مستمری ماهانه مکفی پرداخت شود.

۲- در صورت وقوع هر حادثه ای در محیط کار، تعداد قربانیان و مصدومین با مشخصات و عکس فوراً باید رسماً و علناً اعلام شود.

۳- عاملین کشتار در کارخانجات کارفرمایان و دولت حامی آنها هستند و باید مورد پیگرد قرار گیرند.

۴- برگزاری مراسم یاد کارگران جانباخته بخاطر ناامنی محیط کار توسط کارگران به هزینه کارفرما

مبارزه برای ایمنی محیط کار، یعنی مبارزه برای زنده ماندن و سلامت جانی کارگر، یک روز هم نباید در آن تعلل کرد. خصوصاً این موضوع در ایران باید به مساله فوری و همین امروز کارگران تبدیل شود. مساله تامین ایمنی محیط کار بسادگی به سود سرمایه داران گره میخورد. سرمایه دار بخاطر سودجویی اش، آشکارا جنایت میکند و محیط های کار هر روز بیشتر از کارگران قربانی میگردد و دولت نیز بنا به تعریف حافظ منافع اوست. ابعاد گسترده جنایت در محیط های کار بیش از هر چیز اوج توحش سرمایه داری را در مقابل ما قرار میدهد. باید به این توحش پایان داد.\*



# سوسیالیسم تنها راه نجات بشریت است!





اطلاعیه خبری

## فراخوان بازنشستگان فولاد به تجمع در تهران و دو خبر دیگر

بازنشستگان صنعت فولاد و معدن در اعتراض به معضلات معیشتی و برای پیگیری مطالباتشان و از جمله اجرای همسانسازی سال ۹۹ (به میزان

۲۵ درصد نسبت به سایر صندوقهای بازنشستگی) برای ساعت هشت صبح روز سوم آذر ماه به تجمع سراسری در مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد فراخوان به تجمع اعتراضی داده اند. گفتنی است که بازنشستگان فولاد در شهرهای اهواز و اصفهان تحت عنوان یکشنبه های اعتراضی هر هفته تجمع برگزار میکنند. افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۱۲ میلیون، درمان و تحصیل رایگان و حق مسکن و پایان دادن به اختلاس ها و دزدی ها و بازگشت پولهای به سرقت رفته

به صندوق فولاد، از جمله مطالباتی است که این کارگران بارها در تجمعاتشان بر روی آنها تاکید کرده اند و به همراه دیگر بخشهای بازنشستگان برای آنها مبارزه و اعتراض کرده اند. - روز ۲۶ مهر کارگران بخش خصوصی معدن چشمه پودنه که چندین روز بود در اعتراض به سر میبردند با وعده افزایش سی درصدی حقوق و مزایای خود موقتاً به اعتصاب خود خاتمه دادند. بنا بر خبر در پی تجمعی که طی روزهای گذشته توسط این کارگران در اعتراض به مشکلات معیشتی ناشی از کاهش حقوق و سطح نازل دستمزدها، در مقابل ورودی کارگاه محل کار و در نهایت مقابل ساختمان استانداری کرمان برپا کردند، مسئولان وعده افزایش ۳۰ درصدی حقوق را به کارگران دادند. معدن چشمه پودنه تحت مسئولیت شرکت معدنی تکافر سپاهان فعالیت دارد. کارگران اعلام کرده اند که اگر وعده های داده شده عملی نشود دوباره دست به تجمع خواهند زد. - روز ۲۵ مهر کارکنان شرکت آب و فاضلاب اهواز با تجمع مقابل شرکت آب و

فاضلاب استان اعتراض خود را نسبت به عدم دریافت ۴ ماه دستمزد خود اعلام کرده و خواستار لغو ادغام شرکت آبفا اهواز با خوزستان شدند. این کارگران در اعتراضاتشان علاوه بر اشاره به مشکلات معیشتی بر مشکل خدمت رسانی به مردم تاکید کرده و میگویند اگر این وضعیت ادامه یابد با اولین بارندگی اهواز را فاضلاب خواهد گرفت.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۶ مهر ۱۴۰۰، ۱۸ اکتبر ۲۰۲۱





شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت  
شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت نماد و  
نماینده اتحاد و همبستگی همه بخشهای کارگران در صنعت  
نفت...

## در حاشیه گزارشی از یک همکار

همکاری گزارشی برای ما فرستاده است که در زیر میخوانید:

قرار است ابراهیم رئیسی تا روز جمعه سفری به بوشهر داده باشد و سری هم به عسلویه و سایت های پالایشگاهی و پتروشیمی بزند. از ترس برپایی تجمع اعتراضی فضا را دارند امنیتی میکنند که کسی چیک نزنند و در حالیکه ما کارگران پروژه ای پیمانی در نفت بیش از سه ماه است برای پایه ای ترین مطالبات خود در اعتراضیم، سردمداران گروههای موسوم به پایپینگ با ژست مطالبه گری و ردیف کردن یکسری از خواستههای ما کارگران عملا با این فضای امنیتی همراهی کرده و همه را به سکوت دعوت میکنند. از جمله در پست های خود در

این گروه چنین نوشته اند: "از تمام صنعتگران که در عسلویه حضور دارند می خواهیم آماده باشند تا روز جمعه بتوانند با ریس جمهور دیدار کرده و مشکلات جامعه کارگری را به رییس جمهور محترم انتقال دهند". در ادامه با ردیف کردن یکسری از مطالبات ما کارگران برای اینکه ساکتمان کنند مینویسند: "پس روز جمعه باید بفکر کار و حضور و ثبت انگشت و فیس زدن نبود، همه باهم به دیدار ریس جمهور برویم و مشکلات رو بیان نماییم. روز جمعه از ریس جمهور محبوب و مردمی سید مظلومان و یاور رهبر می خواهیم که به مشکلات صنعتگران ورود پیدا کرده و حق خود را فریاد زنیم. حق کارگرانی که در پایتخت

اقتصادی کشور کار می کنند اینها نمی باشد و در این نظام اسلامی عده ای با سواستفاده از مقام و موقعیت خود دارند به کارگران ظلم می نمایند. عده ای دارند با حق خوری از کارگران و ستم به کارگران جامعه کارگری را نابود کرده و ضربه به اقتصاد کشور می زنند باید اینها رو شناسایی و معرفی کرد. افرادی هستند ضد کارگر و با این کارها می خواهند آب به آسیاب دشمنان بریزند."

بدین ترتیب این گروه شناخته شده همه تلاشش سازمان دادن استقبال از ابراهیم رئیسی است و در عین حال برای کسانی که با خط و جهت آنها مخالفند شاخ و شانه میکشند. ردیف کردن مطالبات به حق ما کارگران نیز برای اینها دستمایه ای برای پیشبرد این

هدف و کشاندن اعتراض ما به دامنه قانون و وعده و وعید دادن هاست. ما قبول نمیکنیم. این تبلیغات بیش از پیش صدای اعتراضات همکاران را در آورده است. از جمله یکی از دوستان کارگرمای در پاسخ به این تبلیغات نوشت:

" ۱۰۰ تا رئیس جمهور و وزیر و معاون رئیس جمهور رفتن عسلویه.. آیا مشکلی حل شد؟.. از این تجمع فقط دوربین اخبار ۳۰:۲۰ سود میره که از علاقه مردم به رئیس جمهور و.. به بهره برداری رسانه ای میکنه.. خواهشها به دنبال این جور کارهای نمایشی نباشید.."

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت ضمن تشکر از ارسال این گزارش همصدا با کارگران معترض میگوید. که مشکلات ما کارگران معترض در نفت روشن است. نیازی به دیدار امثال اینها نیست. ما خواستار برچیده شدن بساط پیمانکاران

هستیم. ما خواستار لغو قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی هستیم. ما خواستار شرایط معیشتی و کاری انسانی از جمله بهبود فوری وضع کمپ ها و غذا و ایمنی محیط کارمان هستیم. ما خواستار پرداخت بموقع دستمزد و دستمزد در حد کفاف یک زندگی شایسته و مناسب هستیم. از همین روز خواستار افزایش فوری سطح دستمزدها در حد ارقامی که اعلام کرده ایم هستیم و بر اینکه مزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد تاکید داریم. بیست روز کار و ده روز مرخصی در این شرایط سخت کاری حق مسلم ماست و یک حداقل است و ما خواستار اجرای شدن آن هستیم. جواب ما دیدار با رئیس جمهور و وعده وعید نیست. جواب ما: پاسخ فوری به این مطالبات است و بس.

از مدیای اجتماعی

# زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند!



## یک فراخوان مهم ما به پیشواز نمیرویم، ما مطالبه گریم

- قرار است ابراهیم رئیسی و مقاماتی از حکومت سفری به بوشهر داده باشند و در پانزدهم مهرماه سری هم به عسلویه و سایت های پالایشگاهی و

پتروشیمی بزنند. ما به پیشواز نمیرویم. ما مطالبه گریم و برنامه مان به مناسبت این روز به قرار زیر است:

۱- برنامه ما بر پا می تجمعات اعتراضی در عسلویه و کنگان و در همه مراکز نفتی در بوشهر است بخاطر اینکه با گذشت بیش از سه ماه هنوز خواستهایمان بی جواب مانده است.

۲- برنامه ما نوشتن خواسته هایمان بر روی بنر ها و بدست گرفتن آنها و بلند کردن صدای رسای اعتراضمان به این همه بی حقوقی است.

۳- ما مذاکره نداریم. خواستهایمان را هم قبلا اعلام کرده ایم. باید دستمزدهای ما به میزان درخواستی ما افزایش یابد. باید بیست روز کار و ده روز مرخصی اجرایی شود و در این

رابطه بویژه از اعتراضات همکارانمان در عسلویه و کنگان که هیچگونه جوابی نگرفته اند، پشتیبانی میکنیم. ما تاکید میکنیم که باید دستمزدها بموقع پرداخت شوند و باید خوابگاهها و وضع غذا و ایمنی محیط کار بهبود جدی پیدا کنند. در عین حال ما نیز همصدا با همکاران ارکان ثالثی خود در پتروشیمی ماهشهر بر قراردادهای مستقیم

کاری بعنوان حق مسلم خود و برچیده شدن بساط پیمانکاران تاکید داریم.

همه با هم و متحدانه آماده باشیم. اعتراضات ما تا رسیدن به خواستهایمان ادامه خواهد داشت.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت - ۱۴مهر

از ملیای اجتماعی

نه به جمهوری اسلامی،

آری به جمهوری سوسیالیستی!

نه به حکومت مافوق مردم،

آری به حکومت شورائی!

نه به سرمایه داری،

آری به سوسیالیسم!

مرگ بر طالبان، و/پ/ا  
چه کابل، چه تهران

**NO TO TALIBAN REGIMES:  
IN AFGHANISTAN,  
IN IRAN**

سوسیالیسم تنها راه نجات بشریت است!



## نفت آرام ندارد

بنا بر خبرها بسیاری از شرکت های پروژه ای کار خود را آغاز کرده اند. خیلی از این شرکت ها با دادن وعده و از جمله قبول مطالبه بیست روز کار و ده روز مرخصی و افزایش درصدی از حقوق سعی کرده اند کارگران اعتصابی را به سر کار بازگردانند. اما در مواقع بسیاری دیده میشود که زیر این



شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت  
شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت نماد و  
نماینده اتحاد و همبستگی همه بخشهای کارگران در صنعت  
نفت...

هستند. کارگران اعلام کرده اند که اگر به وعده ها عملی نشود دست به اعتصاب خواهند زد. همچنین همکاران ارکان ثالث ما که قبلا در پتروشیمی ماهشهر با خواست کوتاه شدن دست پیمانکاران دست به تجمع و

وعده ها میزنند و در مقابل همکاران ما کوتاه نیامده و یا وارد اعتصاب شده اند و با اخطار به اعتصابی دیگر داده اند. از جمله هم اکنون در پتروپالایش کنگان کارگران منتظر آخرین پاسخ پیمانکاران به مطالباتشان

راهپیمایی زدند. اکنون در تدارک برپایی تجمعی اعتراضی در مقابل مجلس اسلامی هستند. خواست کوتاه شدن دست پیمانکاران یک مطالبه مهم و ساختاری ما کارگران نفت است و هر قدم پیشروی ما در جهت تضعیف آنان و فشار آوردن برای جمع کردن بساط این چپاولگران خواهد بود. ما کارگران نفت از خواستها و مطالباتمان کوتاه نخواهیم آمد.

دستمزدها باید مطالبی لیست درخواستی ما افزایش یابد. بیست روز کار و ده روز مرخصی باید جاری شود. محیط های کار به لحاظ ایمنی امن شود. قراردادهای موقت دائمی شود. قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی لغو شوند. و به فضای امنیتی حاکم بر مراکز نفتی پایان داده شود.

**از ملیای اجتماعی**

کمیته سازماندهی



حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party of Iran

کمیته سازماندهی حزب کمونیست کارگری ایران را می توانید در شبکه های اجتماعی از طریق آدرس های زیر دنبال کنید و به اشتراک بگذارید

**این حزب شماست  
به حزب خود بپیوندید**

@wpisazmaneh

www.sazmandeh-wpi.com

tamas.wpi@gmail.com

+447435562462

**پرونده سازی علیه فعالین کارگری و جنبش های اجتماعی ممنوع!**

## اعلام رسمی شورای کارگران هفت‌تپه، یک قدم به جلو

برگرفته از مدیای اجتماعی

روز ۱۲ مهر در مجمع عمومی کارگران که در شهر شوش برگزار شده بود، ابراهیم عباسی یکی از نمایندگان کارگران از وجود شورای ۵۰۰۰ نفره کارگران هفت‌تپه صحبت کرد. اگرچه به گفته ابراهیم عباسی پنج سال است که مجمع نمایندگان با وجود نقاط قوت و ضعفش ایجاد شده است و همواره کارگران مجامع عمومی خود را برگزار نموده و تصمیمات جمعی و شورایی گرفته شده است، اما این اولین بار بود که وجود شورای کارگران رسماً و رو به کل طبقه کارگر اعلام شد.

عباسی در حالی شورا را صراحتاً اعلام کرد که دستاوردهای گذشته کارگران هفت‌تپه را نیز ستود و این یک شیوه برخورد کاملاً اصولی نسبت به آن گذشته بود. او ایجاد سندیکای کارگران هفت‌تپه را نتیجه مبارزات کارگران در دوره پیشین دانست که در کارنامه اعتصابات یک دهه و نیمی آنان ثبت شده است.

عباسی سندیکا را که حاصل مبارزات یک دوره کارگران بوده، تخریب نکرد. اما اعلام کرد که ثابت کرده اند، کار شورایی بهتر از کار سندیکایی در جریان اعتراضات و اعتصابات جواب داده است.

این یک پاسخ بر مبنای واقعیت عملاً صورت یافته به جریاناتی است که به شکل

نگاهی تقدس‌گرایانه دارند. چنین برخوردی به سندیکا و شورای هفت‌تپه به هیچ وجه جنبه تخریبگرانه و یا کم‌ارزش و بی‌ارزش دانستن سندیکا و متقابل قرار دادنش با شورا نیست، بلکه توضیح حدود و ظرفیت تاثیر گذاری دو شکل با ساختارهای متفاوت در یک جهت معین است. یکی را که به خاطر ساختارش کمتر توانسته است موفقیت آمیز باشد، کنار گذاشته اند و یکی دیگر جایگزین کرده اند. کارگران هفت‌تپه شورا را در مقابل سندیکا قرار ندادند، چون هر دو تشکلاتی هستند که کارگران با مبارزات خود و پرداخت هزینه های زیاد موفق به تشکیل آنها شدند. اما قسم نخورده اند که تا ابد به یکی از آنها بچسبند. آنها عملاً ظرفیت سندیکا و شورا را در میدان عمل آزمایش کردند و به این نتیجه رسیدند که با شورا موفقتر عمل کرده اند.

هر تشکلی با هر نامی که باشد، ارزشش در ابزاری و کاربردی بودنش است. شکل ابزار و وسیله ای برای انجام یک عمل یا یک مبارزه جمعی است، نه یک موجود مقدس و غیرقابل نقد، غیرقابل کنار گذاری و غیره. در نتیجه برای کارگرانی که می خواهند در زندگیشان تغییر ایجاد کنند، هیچ تشکلی مقدس نیست و هر زمان که احساس کنند نوع تشکل موجودشان در ایجاد همبستگی و تسریع و تضمین موفقیتشان کارایی لازم را ندارد، کنار گذاشته و تشکل کارآمدتری را جایگزینش می کنند.

ماشینی که برای جاده صاف و هموار ساخته شده است را نمی توان از مسیرهای سنگلاخی عبور داد. بنابراین باید

برای عبور از مسیر سنگلاخی و کوهستانی ماشینی را جایگزین کرد که قادر به پیمایش چنان مسیری باشد.

کارگران هفت‌تپه با تجربه ارزنده یک دهه و نیمی خود که هم سندیکا را تجربه کرده اند و هم شورا، بهترین آموزگاران در عرصه مبارزات کارگری و بکارگیری تشکلهای به عنوان ابزارهای مناسب در شرایط متفاوت هستند. سندیکا را تجربه کردند و بعد از ۵ سال تجربه تشکل شورایی، امروز می گویند که با شورا موفقتر عمل کرده اند. چون در هر مذاکره ای با کارفرما و دولت، کارگران با حضور وسیع خود در کنار نمایندگانشان، مستقیماً نظرات و تصمیمات جمعی خود را از طریق نمایندگان به دولت و کارفرما اعلام کرده و نگذاشته اند در پشت درهای بسته از جانبشان تصمیم گیری کنند و از این طریق به قدرت متحدانه خود افزوده اند. ضمن اینکه با این روش تا حد زیادی از نمایندگان خود در برابر تهدیدات و فشارهای امنیتی صیانت کرده اند.

کارگران هفت‌تپه از دخالت



جا که اراده کنند، مجمع برگزار می کنند، صحبت می کنند، تصمیم می گیرند، مسیر تعیین می کنند، نماینده خاطی عزل می کنند، خواستها را مرور و دسته بندی می کنند و برنامه برای اعتصاب و تجمع روز آینده طرح می کنند.

جوآنمیر مرادی

### از مدیای اجتماعی

مستقیمشان در نحوه ادامه اعتراضات و اعتصابات خود و همچنین در انتخاب و عزل بدون فوت وقت نمایندگان و تعیین مذاکره کنندگان از میان نمایندگان برای مذاکرات احساس غرور و مسرت و مسولیت می کنند.

از ویژگی های مهم شورا این است که اعمال نظر و قدرت از پایین به بالاست و این واقعیت را امروز در مجامع عمومی کارگران هفت‌تپه می بینیم. هر زمان و هر



# نه به حکومت مافوق مردم، آری به حکومت شورائی!

## ۲۱ مهر: شانزدهمین روز اعتصاب قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه اسد بیگی به بیست سال حبس محکوم شد و باقی باند او به ۵ تا ۲۰ سال حبس

امروز بیست و یکم مهر ماه کارگران نیشکر هفت تپه برای شانزدهمین روز از دور جدید اعتراضاتشان مقابل اداره کار شوش تجمع کردند. بازگشت به کار فوری کارگران اخراجی مطالبه گر تعیین تکلیف مالکیت شرکت، شفاف سازی نحوه واگذاری شرکت، بخشنامه کردن نحوه دادن مطالبات و خواسته ها و اعلام تاریخ پرداخت حقوق های معوقه ا ز جمله تاکیدات سخنرانان تجمع امروز کارگران بود. در این سخنرانی ها کارگران عبدالخانی مدیر اداره کار شوش را مورد خطاب قرار داده و اعلام کردند که باید هر چه زودتر به مطالبات آنها پاسخ داده شود. کارگران اعلام کردند که اگر قرار است کارگر با اعتراض هر روزه اش بدنبال مطالباتش باشد و با زور آنها را بگیرد، شما دیگر چه کار هستید و در سازمان خود را بیندید.

خواستهای فوری کارگران نیشکر هفت تپه عبارتند از: بازگشت به کار همکاران مطالبه گر اخراجی، تعیین تکلیف مالکیت شرکت، شفاف سازی نحوه واگذاری شرکت، بخشنامه کردن نحوه دادن مطالبات و خواسته ها و اعلام تاریخ پرداخت حقوق های معوقه

کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند که تا خواستهایشان پاسخ نگیرد اعتصاب آنها ادامه خواهد

داشت. امروز همچنین حکم زندانی اسدبیگی و باند مافیایی او از سوی سخنگوی دستگاه قضایی ذبیح‌الله خداییان اعلام شد. بر اساس این حکم اسد بیگی سردسته باند مافیایی خلع ید شده از نیشکر هفت تپه به اتهام مشارکت در اختلال عمده در نظام ارزی و مباشرت در قاچاق عمده ارز به ۲۰ سال حبس، جزای نقدی، رد اموال و انفصال از خدمات دولتی و سایر متهمان این پرونده به ۵ تا ۲۰ سال حبس محکوم شده اند. یک قلم از اتهامات اسد بیگی مشارکت در قاچاق یک میلیارد و ۳۹۶ میلیون یورو و مباشرت در قاچاق دو میلیون و ۸۹۴ هزار یورو بوده است. قلم دیگر آن پرداخت رشوه های کلان به مدیران بانک مرکزی قید شده است. البته یک عامل مهم مشکل ساز بودن این پرونده برای حکومتیان دست داشتن همه آنها در اختلاس ها و رشوه خواری در نیشکر هفت تپه است.

روشن است که اسد بیگی زیر فشار اعتراضات کارگران خلع ید و دادگاهی و محکوم شده است. او سالها عزیز دردانه حکومتیان بود و این کارگران معترض بودند که دستگیر و محاکمه و شکنجه میشدند. اینکه پشت پرده این احکام چه باند بازیها و بده بستانهایی قرار دارد برای کارگران روشن نیست اما کارگران با خلع ید از اسد بیگی

خواهان این هستند که خواستهایشان بطور کامل عملی شود. از جمله حقوقها تماما پرداخت شود، تمام پرونده هایی که علیه کارگران و حامیان کارگران باز کرده اند را ملغا اعلام کنند و کارگران اخراجی سر کار بازگردند و پولتهای به سرقت رفته به شرکت بازگردانده شود.

۵ سال جدال جانانه کارگران نیشکر هفت تپه علیه بساط چپاول و دزدی در نیشکر هفت تپه الگوی درخشانی از مبارزه است که به همه کارگران و همه مردم راه نشان میدهد. از درسهای این مبارزات باید آموخت.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۱ مهر ۱۴۰۰، ۱۳ اکتبر ۲۰۲۱



جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج و در سطح جهان بایکوت شود!

## تجمعات بزرگ و گسترده معلمان در بیش از ۴۰ شهر

“معلم داد بزن، حق تو فریاد بزن”

ساعت ده صبح روز ۲۲ مهر بنا بر فراخوان از قبل اعلام شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، معلمان شاغل و بازنشسته در بیش از ۴۰ شهر دست به تجمع زدند و با شعار دادن و سخنرانی و بیانیه هایشان خواستههای خود را اعلام کردند. اعتراض معلمان به بدتر شدن هر روز بیشتر وضعیت معیشتی شان و وضع نابسامان آموزش و پرورش، به تبعیض ها و نابرابری ها، به اختلاس ها و دزدی ها، به سرکوبگری ها و به تعرضات هر روزه به زندگی و معیشتشان است. از جمله یک موضوع فوری اعتراضات معلمان به عدم اجرای کامل رتبه بندی، و عدم اجرای کامل همسان سازی بازنشستگان است.

یک موضوع اعتراض معلمان افزایش ساعت کار موظف از ۲۴ ساعت به ۳۰ ساعت در هفته است. در رابطه با این موضوعات معلمان در دور جدید اعتراضات خود تجمعات بسیاری بر پا کرده اند. یک نمونه قدرتمند آن در سوم مهر ماه در ۴۵ شهر بود. بنا بر گزارشات دریافتی تا کنونی تجمعات در این شهرها صورت گرفته است: شهرهای تهران، کرج، شیراز، اصفهان، کرمانشاه، مریوان، پلدختر، ساری، اصفهان، تبریز، تاکستان، جهرم، ملایر، خرمشهر، بروجرد، قم، جوانرود، سلسله (استان

لرستان)، سقز و زیویه، نورآباد ممسنی، بیهان، اراک، یزد، اندیمشک، اردبیل، شیروان، ایلام، فریدون کنار، بوشهر، کرمان، بندرعباس، سنندج، یاسوج، الیگودرز، اهواز، مشهد، بندرانزلی، ایذه، داراب و...

در اهواز معلمان در اعتراض به عدم انعکاس صدای اعتراضات مردمی در صدا و سیما جمهوری اسلامی در مقابل دفتر این سازمان تجمع داشتند که با دخالت پلیس این تجمع به پایان رسید و معلمان به سمت اداره کل آموزش و پرورش استان راهپیمایی کردند. در مریوان قطعنامه شورای هماهنگی توسط اسکندر لطفی، سخنگوی شورای هماهنگی در این شهر قرائت شد.

در همدان معلمان سرود یاور فرهنگی ما که امروز به سرود نماد همبستگی معلمان تبدیل شده را خواندند. در این تجمع بنرهایی با عکس معلمان زندانی از جمله اسماعیل عبدی توجه ها را بخود جلب میکرد.

در تجمعات شیراز که همیشه یک کانون داغ اعتراضات معلمان بوده است، جماعتی با شعارهایی انحرافی ای همچون شعار “مجلس انقلابی، حمایت، حمایت”، ای رهبر فرزانه معلمان را دریاب “، “ عدالت اسلامی اجرای رتبه بندی”، تلاش کردند رنگ حکومتی و اسلامی به این اعتراضات بزنند و مبارزات با شکوه معلمان را مخدوش کنند. اما شعارهای

اعتراضی معلمان در تجمعات اعتراضی امروز پاسخ محکمی به این تشبثات نیز بود. این جریانات را باید بیش از این منزوی کرد و اجازه نداد که اعتراضات بحق معلمان را لوث

و مخدوش کنند. حضور ایادی و وابستگان حکومت در صفوف اعتراضات باعث تضعیف مبارزه میشود و باید محکم در مقابل آنها ایستاد.

در این روز یک شعار گسترده معلمان “معلم زندانی آزاد باید گردد” در تجمعات مختلف بود. بعلاوه معلمان با فریاد شعارهای “معلم بیدار است از تبعیض بیزار است”، “معلم داد بزن حقت را فریاد بزن”، “ دزدی های نجومی، فلاکت عمومی”، “نه تسلیم، نه سازش، رتبه بندی بی خواهش”، “اجرای همطرازی، بدون حقه بازی”، “رتبه بندی حق ماست، نتیجه رنج ماست”، “رتبه های پوشالی نخواستیم، نخواستیم”، “معلم می میرد، ذلت نمی پذیرد”، “وعده زیاد شنیدیم، نتیجه اش را ندیدیم”، صدای اعتراض خود را به سیاستهای حکومت و دستگاه آموزش و پرورش ابراز میکردند.

قطعنامه پایانی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ضمن بر شمردن موارد اعتراضی بر خواستههای معیشتی فوری معلمان و بازنشستگان و حق پایه ای دانش آموزان و تحصیل رایگان تاکید کرده است. در همین راستا این قطعنامه با اعلام حمایت از معلمان بازنشسته، بر اجرایی شدن فوری مطالبه همسان سازی حقوقها و پرداخت پاداش بازنشستگان سال ۹۹ که بخاطر آن بارها تجمع داشته اند تاکید شده است.

اجرای کامل رتبه بندی مشاغل و افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۱۲ میلیونی یک مطالبه معیشتی فوری معلمان است. معلمان بارها و بارها در تجمعاتشان با شعارهای

اعتراضی خود و با بنرهایی که در دست میگیرند، اعتراض خود را به سطح نازل حقوقها و تبعیض ها و به دزدی های نجومی و پایین آمدن هر روز بیشتر سطح زندگی شان اعلام کرده اند.

تاکید مهم دیگر قطعنامه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان تحصیل رایگان برای همه کودکان و آموزش عادلانه و یکسان و با کیفیت برای همگان است. در این قطعنامه در دفاع از حقوق کودکان و با اشاره به اینکه به گفته ی مسئولان حکومتی حداقل ۳ میلیون کودک از آموزش مجازی محروم بوده اند و این محرومیت ناشی از عدم دسترسی به امکاناتی مانند تبلت و گوشی هوشمند و اینترنت مناسب است، بر تأمین رایگان این ملزومات برای همه از جمله دانش آموزان مناطق دور تاکید شده و فراهم کردن امکانات آموزش مجازی برای تمام معلمان از جمله وظایف دولت اعلام شده است. این قطعنامه سقف تراکم هر کلاس را ۱۶ نفر اعلام کرده و تهیه ی واکسن مورد تایید سازمان بهداشت جهانی و توزیع ماسک و الکل مورد تاکید قرار داده و بر حقوق دانش آموزان از جمله شروع آموزش در مدارس تاکید شده است.

یک موضوع مهم قطعنامه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان اعتراض به امنیتی کردن مبارزات و احضارها و پرونده سازی ها و بازداشت معلمان معترض شاغل و بازنشسته است. از جمله در قطعنامه چنین آمده است: “ از نظر ما حاکمیت به جای بگیر و ببندها و تهدیدها باید در قبال فرهنگیان شاغل و بازنشسته پاسخگو باشد و

مطالبات معلمان را محقق نماید و بداند این مطالبه گری متکی به فرد نیست و نمی توان با احضار، پرونده سازی، زندان و اخراج آن را متوقف نمود.”

بعلاوه قطعنامه با اعلام اینکه میکوشد صدای بی صدایان باشد و با تاکید بر حق اشتغال برای همه مردم از اعتراضات معلمان پیش دبستانی، آموزشیاران نهضت سواد آموزی و همه معلمانی که امنیت شغلی ندارند اعلام حمایت کرده و بر پایان دادن به استعمار معلمان خرید خدمت تاکید میکند. در پایان قطعنامه ضمن سیاسی سازی از همراهی وسیع معلمان از فراخوان این روز خطاب به خانواده های دانش آموزان و همه مردم مینویسد: “پیام مافرهنگیان به مردم شریف ایران این است که تعلیم و تربیت فرزندان شما سالهاست تعطیل شده است، دانش آموزان شما به حال خود رها شده اند. دولت همواره جیب شما را خالی می کند و برای ارتقای سطح علمی فرزندان شما هیچ تلاشی نمی کند.” در پایان این قطعنامه بر همبستگی و همصدایی همه مردم برای رهایی از فقر و بدبختی و فلاکت اقتصادی کنونی تاکید میکند.

یک تاکید معلمان در تجمعات این روز ادامه اعتراضات تا رسیدن به خواستهها و مطالباتشان بود. از مبارزات معلمان باید وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ مهر ۱۴۰۰، ۱۴ اکتبر ۲۰۲۱



عکس از آرشیو کنگره ۱۱

## آئین نامه انتخابات کنگره دوازدهم حزب کمونیست کارگری ایران مصوب هیئت اجرائی حزب

- ۱- انتخابات در دو مرحله انجام میگیرد، سراسری و محلی. ابتدا انتخابات سراسری و بعد از روشن شدن نتایج، انتخابات محلی انجام میشود.
- ۲- جمع نمایندگان کنگره ۱۵۰ نفر است. سهمیه انتخابات سراسری ۱۰۰ نفر و سهمیه انتخابات محلی ۵۰ نفر است.
- ۳- هر عضو حزب میتواند هم در انتخابات سراسری و هم محلی در رای گیری شرکت کند. در انتخابات محلی هر عضو فقط در یک حوزه میتواند رای بدهد.
- ۴- رای گیری به صورت مخفی و از طریق اینترنت انجام میشود.
- ۵- در انتخابات سراسری و محلی نمایندگان با اکثریت نسبی آرا انتخاب میشوند، یعنی کسانی که آرای بیشتری نسبت به دیگران آورده اند انتخاب میشوند. در انتخابات سراسری حداقل آرای لازم برای انتخاب شدن ۲۰

درصد کل آرای رای دهندگان است.  
- در صورتیکه تعداد آرای چند کاندید در ردیفهای مرزی برابر باشند، همه کاندیداهانی که رای مساوی آورده اند به لیست نمایندگان اضافه میشوند.

- ۶- انتخابات سراسری در یک مرحله انجام میشود. در صورتیکه تعداد نمایندگان انتخاب شده در انتخابات سراسری کمتر از ۱۰۰ نفر باشد (یعنی کمتر از ۱۰۰ نفر صاحب حداقل ۲۰ درصد آرا شدند) بقیه سهمیه سراسری به سهمیه تشکیلاتهای محلی اضافه خواهد شد.
- ۷- در انتخاباتهای سراسری و محلی اعضا میتوانند به تعدادی کمتر از تعداد سهمیه رای بدهند، اما رای دادن به تعداد بیشتر مجاز نیست.
- ۸- کل پروسه انتخابات زیر نظر هیئت اجرایی حزب صورت میگیرد. هیئت اجرایی مرجع بررسی شکایات احتمالی از نحوه برگزاری انتخابات است.

۹- "کمیته برگزاری انتخابات کنگره" از طرف هیئت اجرایی مسئول مستقیم سازماندهی انتخابات است.

هیئت اجرایی حزب

۱۴ اکتبر ۲۰۲۱

۲۲ مهر ۱۴۰۰

### حزب کمونیست کارگری ایران

تلفن: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

ای میل: [tamas.wpi@gmail.com](mailto:tamas.wpi@gmail.com)

تلگرام: @sazmande

اینستاگرام: wpi91



اطلاعیه خبری

## تجمع نیروهای آموزش و پرورش، حکم زندان برای محبوبه فرحزادی و دستگیری مجدد سپیده قلیان

- روز چهارشنبه ۲۱ مهر جمعی از سرایداران و نیروهای خدماتی آموزش و پرورش استان قم در اعتراض به وضعیت نامناسب کاری و معیشتی خود مقابل ساختمان اداره کل آموزش و پرورش استان تجمع برگزار کردند.

- روز چهارشنبه ۲۱ مهرماه جمعی از معلمان خرید خدمات شهرکرد در اعتراض به اخراج ها مقابل ساختمان استانداری چهارمحال و بختیاری تجمع کردند. این معلمان خواهان تعیین تکلیف وضعیت شغلی و تبدیل وضعیت شان پس از چندین سال تدریس به استخدام رسمی در آموزش و پرورش هستند.

- امروز ۲۱ مهرماه محبوبه فرحزادی از معلمان بازنشسته به همراه وکیل خود به دادگاه "قاضی" امین افشاری رفته بود تا از وضعیت پرونده امنیتی خود و حکم صادره مطلع شود. او در اینستاگرام خود ضمن اعلام این خبر مینویسد: قاضی "امین افشاری" اتهامات مرا قرائت کرد: تبلیغ علیه نظام و "البته دادسرای شعبه ۷ اوین برای اتهام تشویش اذهان عمومی بهم برائت داده بود" بعد از دفاع من؛ خانم وکیل چند خطی از من دفاع صنفی کرد و قاضی شفاها رای خودش را بهم اعلام کرد. "هفت الی هشت ماه بازداشت و زندان؛ بعدا حکم کتبی را به



وکیل ابلاغ خواهد کرد. معلوم نیست حکم صادره چه خواهد بود. »  
محبوبه فرحزادی همانطور که خود در جایی گفته بود، معلم انقلاب و مدافع حقوق انسانهاست. جرم او شرکت در تجمعات معلمان شاغل و بازنشسته و مطالبه گری است. جرم او اعتراض علیه فقر و فلاکت و تبعیض و نابرابری و فساد و دزدی هاست. جرم او اعتراض علیه زندان و شکنجه است. محبوبه فرحزادی از همیاران کمک به سیل زدگان بود. محبوبه فرحزادی یار کودکان کار و خیابان است. پرونده سازی علیه محبوبه فرحزادی و تهدید او به زندان باید وسیعاً مورد اعتراض همه قرار گیرد. یک کارزار مهم معلمان اعتراض علیه پرونده های امنیتی برای معلمان، کارگران و مردم معترض است. باید وسیعاً به این کارزار پیوست.

- روز ۱۹ مهر شمار زیادی از نیروهای امنیتی حکومت که گفته میشود سی تا پنجاه نفر بوده اند به منزل سپیده قلیان یورش بردند و او را دستگیر کرده و به محل نامعلومی منتقل کردند. سپیده قلیان به جرم دفاع از کارگران نیشکر هفت تپه بازداشت شد و ۵ سال حکم زندان به او داده شد. او دستگیر گردید و در تمام طول بازداشتش همواره صدای آزادیخواهی و برابری طلبی بوده است. او با اعتراض به زندان و شکنجه صدای اعتراض همه زندانیان بوده است. یک خواست مهم کارگران نیشکر هفت تپه آزادی فوری و بدون قید و شرط اوست. باید وسیعاً به دستگیر و حشیانه او و ادامه بازداشتش اعتراض کرد. سپیده قلیان باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ مهر ۱۴۰۰، ۱۳ اکتبر ۲۰۲۱





## ۲۰ مهر: اعتصاب قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه وارد پانزدهمین روز شد

شرکت هفت تپه تعیین تکلیف نشده و فقط به پیمانکار داده شده است

جدال جریان دارد. کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند که آنها تشکیل ۵ هزار نفره خود را دارند و مجمع عمومی منتخب آنان تشکیل واقعی آنهاست. این کارگران با به گل گرفتن درب شورای اسلامی و تاکید بر تصمیم گیری جمعی متحدانه در برابر انواع تشبثات تفرقه افکنانه حکومتیان ایستاده اند. حزب کمونیست کارگری ضمن اعلام حمایت قاطع از مبارزات و خواستههای کارگران نیشکر هفت تپه بر شرکت وسیع خانواده ها در این مبارزات که به آنها مستقیماً مربوط است و حمایت گسترده مردم از این سنگر مهم جنبش کارگری تاکید دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۹ مهر ۱۴۰۰، ۱۱ اکتبر ۲۰۲۱

باز مشکلات آنها سر جای خود باقی خواهند ماند و دوباره باید دنبال حقوق و طلبها و مطالباتشان باشند و دیگر اجازه نمیدهند این داستان تکرار گردد. بعلاوه کارگران نیشکر هفت تپه خواستار پرداخت فوری ۳ ماه حقوق معوقه، بازگشت به کار همکاران اخراجی، تمدید قرارداد کارگران فصلی و بخش دفع آفات، انجام عملیات کشت و ترمیم کارخانه و خاتمه دادن به پرونده قضایی وکیلشان فرزانه زیلابی هستند. اینگونه است که جدالی سخت در هفت تپه در جریان است و امروز بیش از هر وقت مساله بر سر بقای هفت تپه و زندگی و معیشت ۵ هزار کارگر شاغل در این مجتمع کارگری که با خانواده هایشان جمعیتی ۲۰ هزار نفره را در بر میگیرد این

طی شدن روال قانونی واگذاری هفت تپه به شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی بر این نکته تاکید کرد که این شرکت باید به مزایده برود تا همه بتوانند در آن شرکت کنند و اگر قرار است این تشریفات صورت نگیرد باید مراحل قانونی آن روشن باشد. از همین رو کارگران نیشکر هفت تپه میگویند این سردواندن ها را قبول ندارند و بطور واقعی شرکت هفت تپه تعیین تکلیف نشده و تنها به پیمانکار داده شده است و کارگران آنرا قبول ندارند. کارگران اعلام کرده اند که حتی اگر تمام دستمزدها پرداخت شود، تا وقتی وضع مالکیت شرکت روشن و شفاف سازی نشود اعتصاب ادامه دارد. دلیلش نیز اینست که بدون روشن شدن این موضوع

و سیما و مقامات مختلف فقط نقشه ای برای تضعیف و شکستن اعتصاب آنهاست و از نظر آنها تعیین مدیریت به معنای تعیین مالکیت شرکت نیست و خواست آنها روشن شدن این موضوع و اداره این مجتمع تحت نظارت شورایی خود کارگران است. امروز سه شبهه بیستم مهرماه عبدالعلی ناصری مدیرعامل شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی بدنال انعکاس خبر واگذاری مدیریت نیشکر هفت تپه به آن شرکت در گفت و گوی اختصاصی با خبرنگار سایت دولتی ایرنا وعده پرداخت یک ماه از طلبهای کارگران را طی ده روز آینده و پرداخت باقی طلبها در فواصل کوتاه مدت طبق توافق قبلی با حمایت بانکهای ملی و صادرات را داد. او با تاکید بر

امروز بیستم مهرماه اعتصاب متحدانه کارگران نیشکر هفت تپه برای پیگیری خواستها و مطالباتشان وارد پانزدهمین روز خود شد. در این روز کارگران نخست برابر در ورودی شرکت و سپس مقابل دفتر مدیریت تجمع کردند. خواست تعیین تکلیف مدیریت و نجات هفت تپه در صدر مطالبات این کارگران قرار دارد. کارگران میگویند شرکت هفت تپه تعیین تکلیف نشده و فقط به پیمانکار داده شده است و اعلام کرده اند که تا روشن شدن وضع مالکیت شرکت و شفاف سازی نحوه و قیمت واگذاری آن با قدرت به اعتصاب خود ادامه میدهند. به گفته کارگران هیاهو بر سر سپردن مدیریت شرکت به شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی و تریک گفتن های صدا

**سرتگون باد رژیم دزدسالار اسلامی!**

اطلاعیه خبری

## اعتصاب کارگران پروژه ای شرکت سایک در عسلویه، آزادی عزیز قاسم زاده و دو خبر دیگر



- روز دوشنبه ۱۹ مهر کارگران پروژه ای شرکت سایک شاغل در عسلویه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد ماههای مرداد و شهریور دست به اعتصاب زدند. اعتصاب گسترده کارگران پروژه ای فضای اعتراض در میان بخش های مختلف نفت را شدت داده است و کارگران در محل نیز پیگیری مطالبات خود هستند و در برابر زورگویی های پیمانکاران ایستاده و حق و حقوق خود را پیگیری میشوند.

- ظهر امروز ۱۹ مهر عزیز قاسم زاده سخنگوی کانونی صنفی فرهنگیان گیلان با قرار وثیقه از زندان رودسر آزاد شد. آزادی وی را به او، به خانواده اش و به همگان تبریک میگوییم. پرونده قضایی تشکیل شده برای وی باید فوراً بسته شود. یادآوری کنیم که عزیز قاسم زاده در ۴ مهر یک روز بعد از تجمع بزرگ سراسری معلمان در سوم مهرماه که در ۴۵ شهر برگزار شد دستگیر شده بود. برای آزادی او و دیگر معلمان زندانی کارزاری بزرگی به راه افتاد.



طوفان تویتری به راه افتاد و بخش های مختلف جامعه فعالانه در این طومار شرکت کردند. جمع هایی از فعالین معلم همراه با خانواده ها مقابل دادسرای شوش تجمع کردند. همچنین هر روزه جمعی هایی از معلمان و فعالین کارگری در حمایت از او به منزل وی رفتند و مبارزات او را ارج گذاشتند. یک کارزار مهم معلمان پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات با خواست مشخص بسته شدن پرونده های امنیتی تشکیل شده برای همه فعالین اجتماعی و آزادی دیگر همکاران بازداشتی و تمامی زندانیان سیاسی است. هم اکنون ۱۴ معلم دیگر در بازداشت بسر میبرند. معلمان

زندانی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

- روز ۱۹ مهر کارگران معدن زغال سنگ سرخس در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدهایشان تجمع کردند. این کارگران، علاوه بر اینکه هیچ حقوقی در سال جاری دریافت نکرده اند، دستمزد ۲۲، ۹۳، ۹۶ و ۹۹ را نیز طلب دارند.

- روز ۱۹ مهر کارگران کارخانه سیمان جوین خراسان برای دومین روز متوالی در اعتراض به خلف وعده های کارفرما دست به اعتصاب زدند. این کارگران قبلاً در دی ماه سال ۹۹ و بدنبال آن در

اردیبهشت سال جاری در اعتراض به اجرا نشدن طرح طبقه بندی مشاغل دست به اعتراض زدند و خواهان اجرای آن شدند. زیر فشار اعتراضات کارگران طرح پیشنهادی طبقه بندی مشاغل مورد بررسی قرار گرفت و مقرر شد که این طرح تا آبان ماه اجرا شود. اما باز هم خبری نشد و بعد با پیگیری بیشتر کارگران مدیریت متقبل شد که تا از زمان اجرای طرح طبقه بندی مشاغل به ازای هر سال صد هزار تومان بصورت علی الحساب به کارگران پرداخت کند. این چنین است که جدالی بر سر این موضوع در این کارخانه در جریان است. علاوه بر خواست طرح

طبقه بندی مشاغل معوقات مزدی، حق اولاد و دریافت دستمزد اضافه کار نیز از دیگر خواسته های این کارگران است. به گفته کارگران برخی از آنان سابقه ۱۰ساله دارند اما کارفرما با آن ها قرارداد ۱۸ یا ۲۰ روزه منعقد کرده است. دائمی شدن قرارداد یک خواست فوری ای کارگران است. در کارخانه سیمان ۳۰۰ کارگر به کار اشتغال دارند.

- صبح روز ۱۷ مهر کارگران سد شفارود رضوانشهر در پی بدقولی در پرداخت حقوق معوقه شان بار دیگر مقابل این شرکت تجمع کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۹ مهر ۱۴۰۰، ۱۱ اکتبر ۲۰۲۱



..... و

اطلاعیه خبری

## چهار خبر از اعتراضات کارگری

- روز ۲۰ مهر کارگران و کارکنان آب و فاضلاب اهواز در اعتراض به سیاست ادغام شرکتهای اهواز و استان و دزدیهای پشت پرده و همچنین عدم پرداخت سه ماه حقوق خود مقابل دفتر نماینده مجلس اسلامی تجمع کردند.

- جمعی از کارگران راه آهن آذربایجان خطوط ریلی شهرستانهای سلماس، جلفا، آذرشهر، مرند و عجبشیر از هفدهم مهر ماه تا امروز در اعتصاب بسر میبرند. اعتراض این کارگران به تعویق پرداخت چند ماهه دستمزدها و قراردادهای برده وار موقت پیمانی است. این کارگران از مرداد ماه تا کنون دستمزد و حق بیمه خود را طلب دارند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۰ مهر ۱۴۰۰، ۱۲ اکتبر ۲۰۲۱

- روز ۲۰ مهر کارگران شهرداری برای پیگیری مطالبات و در اعتراض به پایین بودن دستمزد در قبال ساعات کاری طولانی و سختی کار و تعویق پرداخت مزد خود مقابل شهرداری مرکزی تجمع کردند.

- روز ۲۰ مهر جمعی از بازنشستگان سال ۹۹ آموزش و پرورش در اعتراض به عدم پرداخت پاداش بازنشستگی خود، مقابل سازمان برنامه و بودجه کشور برای چندمین بار تجمع کردند. بازنشستگان شعار میدادند: "پاداش رنجم کجاست"، "یک سال است دویدم، وعده های دروغ شنیدیم



## ۱۹ مهر: چهاردهمین روز اعتصاب قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه

تا تعیین تکلیف مالکیت شرکت اعتصاب ادامه دارد

خواست اول کارگران نیشکر هفت تپه تعیین تکلیف مالکیت این شرکت است. بنا بر خبرها صدا و سیما از واگذاری مدیریت این شرکت به هفت طرح خیر داده است. اما کارگران میگویند روشن شدن مدیریت شرکت هنوز به معنای روشن شدن مالک شرکت نیست و این سیاستی در جهت شکستن اعتصاب است. به گفته کارگران شرکت به هفت طرح داده نشده است بلکه فقط شرکت بصورت قرارداد پیمانی به آنها داده شده است. در برابر این سر دواندن ها و بازیها، کارگران اعلام کرده اند که تا وضعیت مالکیت شرکت روشن نشود به اعتصاب خود ادامه میدهند. خواست کارگران تعیین تکلیف مالکیت شرکت و اداره آن تحت نظارت شورایی است. پرداخت ۳ ماه حقوق معوقه، بازگشت به کار همکاران اخراجی، تمدید قرارداد کارگران فصلی و بخش دفع آفات، انجام عملیات کشت و ترمیم کارخانه و خاتمه دادن به پرونده قضایی وکیل کارگران دیگر خواسته های فوری این کارگران است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ مهر ۱۴۰۰، ۱۱ اکتبر ۲۰۲۱

روز ۱۹ مهر کارگران شرکت هفت تپه در چهاردهمین روز اعتصاب خود برای پیگیری مطالباتشان ابتدا مقابل شرکت تجمع کرده و برای چگونگی ادامه اعتصاب رای گیری کردند. در این نظرخواهی تصمیم بر این شد که تا اطلاع ثانوی تجمع در مقابل اداره کار برپا شود. از همین رو کارگران عازم شوش شدند و در مقابل اداره کار تجمع کردند و بعد از حضور عبدالخانی مسئول اداره کار شوش کارگران با شعار مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر دست به راهپیمایی زدند.

در تجمع اعتراضی این روز ابراهیم عباسی یکی از نمایندگان کارگران سخنرانی کرد. او در سخنانش تاکید کرد که مجمع نمایندگان تشکل کارگری در هفت تپه است و به مقامات مسئول اعلام کرد و گفت که دوباره شورای اسلامی را راه نیندازید. ما در اعتراض به شورای اسلامی امضا گرفتیم، دیوارش را گل گرفتیم چون بر ضد کارگر عمل کرده است و مجمع نمایندگان تشکل ماست. او بعنوان نکته دوم به بازگشت به کار کارگران اخراجی اشاره کرد. سخنان او با کف زدن کارگران همراهی شد.



نه به جمهوری اسلامی، آری به جمهوری سوسیالیستی!



## « بررسی چند خبر و موضوعات اجتماعی در خوزستان »

### بازگشایی مدارس زیر سایه کرونا

در اثر بیماری کرونا، در محیط آموزشی دچار اختلال سوگ از یک طرف و اختلال سازگاری از طرف دیگر، هستند و هنوز نتوانسته‌اند خودشان را با شرایط جدید وفق دهند.

در شهریور ماه مقامات سازمان بهزیستی بر اساس برآوردی که داشتند اعلام کردند دستکم ۵۱ هزار کودک، پدر یا مادر خودشان را از دست داده‌اند. این آمار مبتنی بر آمار رسمی اعلام شده از سوی مقامات جمهوری اسلامی است، اما بسیاری از کارشناسان، از جمله رئیس سازمان نظام پزشکی و حتی برخی از اعضای ستاد مقابله با کرونا تایید کرده‌اند که آمار واقعی جان‌باختگان کرونا دو تا سه برابر آمار رسمی اعلام شده است. کرونا یک فاجعه انسانی و یک کشتار جمعی مردمی است و حکومت اسلامی عامل

مسبب آنست. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ضمن تاکید بر آموزش رایگان برای همه بر ایجاد تجهیزات آموزش رایگان از راه دور از جمله اینترنت و تلفن هوشمند رایگان تاکید کرده است. این شورا همزمان بر ایجاد شرایط لازم برای آموزش در مدارس از جمله واکسیناسیون همه معلمان و دانش آموزان بالای ۱۲ سال بصورت رایگان، نشستن یک دانش آموز بر روی هر نیمکت و گذاشتن ماسک و مواد ضد عفونی در اختیار همه معلمان و دانش آموزان تاکید کرده است. اینها همه از جمله خواستههای اعتراضی معلمان است که بازگشایی مدارس زیر سایه کرونا با زرمه آغاز به کار دوباره مدارس در نیمه دوم آبان ماه دوباره حفظ سلامت جسمی دانش آموزان به نگرانی و دغدغه اصلی خانواده ها تبدیل شده است. این در حالی است که وضعیت بهداشت محیط مدارس در سطح جامعه و از جمله در استان خوزستان به خصوص در شهرهای کوچک و روستاها به هیچ وجه وضعیت مطلوبی ندارد. به گفته مقامات آموزش و پرورش خوزستان، بیش از ۶۰ درصد مدارس روستایی و عشایری استان خوزستان فاقد سرویس بهداشتی است؛ به علاوه اینکه فضای محیطی کلاس های درس تناسبی با جمعیت دانش آموزی ندارد و در هر کلاس درس بیش از چهل نفر حضور دارند. در شرایطی که کرونا همچنان در خوزستان شیوع گسترده دارد و مهار نشده است، خانواده ها اکنون بشدت نگران ابتلای فرزندان خود به این بیماری هستند. رئیس بیمارستان ابوذر اهواز گفته از ابتدای شیوع کرونا تاکنون بیش از ۸۰۰ کودک کرونایی فقط در این بیمارستان بستری شده‌اند و از این تعداد ۲۲ نفر از کودکان جان خود را از دست داده‌اند. از سوی دیگر، کارشناسان بهداشت روان میگویند در سال تحصیلی جدید با کودکان، نوجوانان، دانش آموزان و دانشجویانی رو به رو خواهیم بود که به دلیل مرگ نزدیکان شان

بخاطر آن برای ۲۲ مهر فراخوان به تجمع سراسری داده اند و باید همه مردم در تمام شهرها و استان ها از این فراخوان حمایت و پشتیبانی کنند.

**روزانه ۲۰۰ هزار مترمکعب فاضلاب شهری اهواز به رودخانه کارون سرازیر می شود**  
جمهوری اسلامی از هر نظر برای جامعه فاجعه است. بلایی



که این حکومت و سیاستهایش به سر محیط زیست و آب و هوا و خاک آورده جلوی چشم مردم دارد عوارض و عواقب خود را نشان میدهد و به همین دلیل اعتراض به بی بی آبی به آلودگی هوا و غیر بهداشتی بودن آب نوشیدنی، به سیاستهایی که

باعث ایجاد هر روز بیشتر ریزگردها و امثال اینها میشود که در خوزستان بیش از بسیاری از مناطق دیگر قابل مشاهده است، یک موضوع دائم اعتراض در کشور است. اخباری از این دست را اینجا اشاره میکنیم:

به گفته مدیرکل حفاظت محیط زیست خوزستان، فاضلاب شهری همه شهرهایی که رودخانه‌های کارون و دز از آن‌ها عبور می‌کنند، وارد رودخانه کارون و دز می‌شود. او گفته است در شبانه‌روز تقریباً ۲۰۰ هزار مترمکعب از ۲۴ نقطه، پساب در رودخانه کارون تخلیه می‌شود و پساب شهرهای آبادان، خرمشهر، ویس، ملاثانی و شوشتر نیز وارد رودخانه کارون می‌شود و علاوه بر پساب کشاورزی، پساب کارخانه‌های کاغذسازی پارس، نیشکر هفت تپه، قند دزفول و پالایشگاه آبادان هم وارد رودخانه کارون می‌شود. موضوع آلودگی آب شهرهای خوزستان و غیر بهداشتی بودن آن یک مسئله قدیمی و لاینحل است، حتی نماینده شادگان در مجلس اسلامی هم اعتراف می‌کند که آب شرب مورد استفاده مردم در

شادگان تبدیل به تراژدی ناتمام شده و نمی‌توان به آن، آب شرب گفت زیرا آبی که به شادگان به عنوان آب شرب تحویل داده می‌شود فاضلاب است. او در قسمتی دیگر از حرف‌هایش با اعتراف به دزدی و چپاول اعتبارات اختصاص داده شده به خوزستان گفت از اعتباراتی که به استان خوزستان داده شده ما در شادگان هیچ اثری از آن ندیدیم و الآن کارگران آبفای این شهر حداقل ۵ ماه تا یک سال است که حقوق نگرفته‌اند.

در آبادان و خرمشهر نیز مردم با توجه به وضعیت نامطلوب آب، با انواع مریضی‌ها و حساسیت‌های پوستی مواجه هستند و مشکلات فراوانی در این زمینه دارند. علاوه بر تخلیه پساب صنعتی و فاضلاب‌های شهری، بیمارستان‌ها و کشتارگاه‌های خوزستان نیز پساب‌های آلوده و سمی خود را در رودخانه‌ها تخلیه می‌کنند و تنها ۵ درصد آن‌ها تصفیه و بی‌خطر سازی می‌شود. از این رو بیش از ۹۵ درصد کارون با منابع آبی آلوده پر می‌شود.

مدیرکل صفحه ۲۱

## هیچ دستمزدی نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد!



در جریان این زلزله آسیب دیده و به کمک نیاز دارند. نماینده خامنه ای در استان خوزستان و امام جمعه اهواز هم با بی شرمی و وقاحت تمام از مردم خواسته اند تا برای جمع آوری کمک های نقدی و غیرنقدی برای زلزله زدگان سریعاً اقدام کنند!

یک هفته از وقوع این زلزله می گذرد و با توجه به محرومیت مناطق آسیب دیده و فرارسیدن فصل سرما، مردم با مشکلات بسیار زیادی روبرو هستند اما اکنون کمیسیون عمران مجلس اسلامی به یاد موضوع افتاده و گفته است در هفته جاری، هیئتی را جهت بررسی میزان خسارت و عملکرد دستگاه های متولی و امدادرسان به مناطق اندیکا استان خوزستان و بازفت کوهرنگ استان چهار محال بختیاری اعزام خواهد کرد. علاوه بر سکونتگاه های روستایی، به حدود پنجاه مدرسه هم در این واقعه آسیب جدی وارد شده است که یازده مدرسه از این تعداد، بطور کامل باید

تاکنون چندین بار شهر قلعه خواجه و بخش چلو در شهرستان اندیکا را زلزله به لرزه درآورده، و موجب تخریب ۱۲۰ روستای این شهرستان شده که در نتیجه آن خسارت های قابل توجهی به مردم این روستاها وارد گردیده است. به گونه ای که بیش از چهارصد واحد مسکونی روستایی به طور کلی تخریب شده اند. بعضی از این روستاها در مناطق صعب العبور کوهستانی قرار دارند و به گفته اهالی منطقه بسیاری از این روستاها تا این لحظه هیچ نوع امداد و کمکی دریافت نکرده اند. سپاه پاسداران از لحظه بروز این زلزله گفته همه امکانات و تجهیزات خود را برای امداد رسانی به زلزله زدگان بسیج خواهیم کرد اما فیلمی که از کمک رسانی این نهاد ضد انسانی به مردم آسیب دیده منتشر شده نشان می دهد در اقدامی نمایشی تنها پانصد بسته مواد غذایی تهیه شده است در حالی که برآوردها نشان می دهد دستکم بیش از دو هزار خانوار

محیط زیست خوزستان می گوید پتروشیمی های ماهشهر و سر بندر هم از شرکت هایی هستند که ترکیبات غیر مجاز را با دبی حدود ۲۳۰۰ مترمکعب در ساعت وارد خوریات بندر ماهشهر می کنند به گونه ای که پساب پتروشیمی ها آبیان و صیادی ماهشهر را نابود کرده و ترکیبات سمی موجود از طریق زنجیره غذایی سلامت انسان ها را به مخاطره می اندازد. صیادان منطقه هم می گویند فعالیت شرکت های پتروشیمی در بندر ماهشهر دیگر چیزی از صیادی در این بندر باقی نگذاشته و مردم از ترس بیماری و آلودگی های سمی، ماهی ماهشهر را نمی خورند.

**آخرین وضعیت زلزله زدگان در شهرستان اندیکا**  
یک موضوع دیگر اعتراض و خشم مردم عدم رسیدگی به وضعیت آسیب دیدگان بالای طبیعی نظیر زلزله است. اخیراً، یعنی از دوازدهم مهرماه امسال

حال امضای طوماری هستند که محصولاتشان را به دولت ن فروشنده. علت آن فشارهایی است که بخاطر حقایق و دیگر محرومیت هایشان به آنها وارد شده است. در خرداد ماه نیز بسیاری از گندم کاران خوزستانی به دلیل نرخ پایین قیمت خرید تضمینی این محصول، ترجیح دادند تولید خود را به جای دولت به دامداران و مرغداری ها بفروشند.

ساخته شوند.  
در خصوص تلفات انسانی هم اورژانس خوزستان گفته تاکنون زلزله و پس لرزه های پس از آن در استان خوزستان تلفات جانی نداشته است اما سبب مجروحیت ۲۵ نفر شده است. او میگوید اما با توجه به دسترسی بسیار سخت به نقاط روستایی، ارزیابی تعداد تلفات انسانی همچنان در حال پیگیری است. به عبارت دیگر اعلام اینکه کسی قربانی نشده است یک خبر غیر واقعی و غیر موثق است.

کمیته سازمانده حزب کمونیست  
کارگری، واحد خوزستان

اعتراض کشاورزان به دلیل  
مشکلات بی پایان  
کشاورزان در خوزستان در

۱۹ مهر ۱۴۰۰  
۱۱ اکتبر ۲۰۲۱

**ماهواره یاه ست**

**ماهواره یوتلست**

فرکانس: ۱۱۷۶۶

فرکانس: ۱۱۳۸۷

**پولاریزاسیون: عمودی**

**پولاریزاسیون: عمودی**

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

اف ای سی: ۵/۶

**www.newchannel.tv**  
**nctv.tamas@gmail.com**

**KANAL JADID**  
**کانال جدید**

**پخش زنده آنلاین:**



**newchannel.tv/live/tv**

## حزب کمونیست کارگری ایران به کمک مالی شما نیازمند است

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Kontonr: 412 23 79-3 SEK

Bankkontonr: 9960 2641 223 793

Kontoslag: PLUSGIROKONTO

F RETAG

IBAN: SE10 9500 0099 6026 4122 3793

\*\*\*

آلمان:

Germany

M. Eli

Commerzbank

Kontonr: 727634800

BLZ: 60040071

IBAN: DE84600400710727634800

BIC/SWIFT: COBADEFFXXX

\*\*\*

هلند:

Bank: RABOBANK

Darande hesab: FVIVN

Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

\*\*\*

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از

هر کشور دیگر:

England

Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23

account holder: WPI

branch: Wood Green

Bank: NatWest

IBAN: GB77 NWBK 6024 2345477981

BIC: NWBK GB 2L

تک شما که حزب را میشناسید و خود را در اهداف انسانی و آزادیخواهانه آن شریک میدانید، انتظار کمک داریم. کمک کنید و دوستانتان را تشویق به کمک کنید. امیدواریم مبلغی بسیار بیشتر از آنچه در فراخوان حزب آمده است به صندوق حزب سرازیر شود تا حزب بتواند به تعهدات سیاسی خود و تعهدات تازه ای که در مقابل جامعه و فعالین کارگری دارد و همینطور تعهداتی در مقابل دوستانی که بدلیل شرکت در مبارزه و یا برای تداوم فعالیت خود با مشکل مالی و تامین زندگی خود مواجه شده اند، جوابگو باشد.

سوالاتی دارید میتوانید با آدرس های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

آذر پویا: ۰۰۴۶۷۳۰۵۶۶۶۱۴

azar\_poya@hotmail.com

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

siabahari@gmail.com

از آمریکای شمالی:

ستار نوریزاد ۰۰۱۲۱۴۵۴۹۶۲۷۱

sattarnorizad@yahoo.com

از کانادا:

بابک یزدی ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

babakyazdi2@gmail.com

از ایران:

شهلا دانشفر ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

shahla.daneshfar2@gmail.com

حزب کمونیست کارگری را باید در همه زمینه ها تقویت کرد. این حزب نیاز مبرم جامعه برای تحکیم و تقویت مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تضمین آینده ای روشن است. جامعه در آستانه تحولاتی مهم و تاریخی قرار دارد. فعالین کارگری، معلمان و بازنشستگان، زنان و دانشجویان مشغول تلاش هرروزه برای سازمانیابی و سازماندهی توده ای بخش های مختلف جامعه هستند. این تلاش ها، این جمعاعات سازماندهی ها و اعتراضات و تجمعات اعتراضی وسیع و امیدبخشی که در مراکز کارگری و در خیابان ها جریان دارد، برای تبدیل شدن به یک آلترناتیو سیاسی موثر نیاز مبرم به حزب دارند. حزب کمونیست کارگری حزب این دوره است. امید بسیاری از مردم است. باید بدور سیاست های آن گرد آمد، همه جا واحدهایش را ایجاد کرد، برنامه و ادبیات و سیاست هایش را همه جا مورد بحث قرار داد، فراخوان هایش را هرچه بیشتر عملی کرد و از جمله حزب را باید تقویت مالی کرد.

بسیاری از پروژه های حزب نیاز و گسترش فعالیت های متنوع حزب در گرو تقویت بنیه مالی حزب است. تقویت این حزب بخشی از مبارزه شما برای سرنگونی حکومت گنبدیده و پلید اسلامی و شکل دادن به جامعه ای شاد و آزاد و برابر و انسانی است. حکومت اسلامی را باید تضعیف و سرنگون کرد و حزب را باید هرچه بیشتر تقویت کرد. به این معنی فراخوان حزب برای تامین مالی حزب یک فراخوان سیاسی نیز هست. از تک

**فقط کف خیابون بدست میاد حقمون!**